

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درفروردین ماه سال ۱۳۶۵ پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کارکنان دیموت شده از سوی هیات سیاسی تشکیل گردید و در محیط همفکری و برپرسی خلق مسایل و وظایف سیاسی را که در دسترس داشت پیروزمندان به انجام رساند. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع کمیته مرکزی و تصمیمات آن نیربخش فداییان خلق و همه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در پی کار علیه رژیم پلید خمینی و امپریالیسم جهانخواه بود. پلنوم با استماع گزارش هیات سیاسی که توسط رفیق فرخ نگهدار ایراد کردید کار خود را آغاز کرد. وظایف اصلی در دستور کار پلنوم عبارت بود از:

- الف - بررسی گزارش هیات سیاسی و تصویب قرار انشاز آن.
- ب - بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴.
- پلنوم اسناد را به شده در زمینه بررسی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱-۱۳۶۲ را

مورد بررسی قرار داد و پس از اصلاحات لازم به تصویب رساند. پلنوم با تصویب یک رشته تهاذی مهم در زمینه تحلیل اوضاع کشور و ارزیابی از سیاست و خط مشی سازمان در هر مقطع، در باره یکی از مهمترین دوره های فعالیت و حیات انقلابی سازمان (سالهای ۵۷ تا ۶۱) قضاوت نمود و قرار انشاز آنها را صادر کرد. پلنوم در این قضاوت خلقت خود، فداییان خلق را به تسخیر آینده، به تجهیز هر چه بیشتر خود و به مبارزه با رژیم پلید و مستور و جستجوی راه های موثر تر در تحکیم پیوند سازمان با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران فراخواند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان سپه را مرخص و وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، بویژه در وضعیت فعلی جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران اهمیت فوق العاده قابل شذو با محوریت مادی جامعه و وظایف سازمان در این عرصه را تصریح کرد. نظر به اهمیت تصریح مواضع سازمان در زمینه تحلیل مرحله انقلاب ایران و استراتژی و تاکتیک ما در این مرحله از مبارزه، پلنوم وسیع در این مورد بطور جداگانه قطعنامه ای صادر کرد. پلنوم در این بخش، وظایف سازمان در مبارزه با خطر ملحد و دموکراسی و برای سوسیالیسم را دقت بخشید و با وضوح تازه وظایف سازمان را در راه تامین اتحاد همه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی را برای سرنگونی رژیم تعیین کرد. در طول جلسات پلنوم هر یک از اعضای کمیته مرکزی و مدعوین وقت معینی برای سخنرانی داشتند و از این طریق در زمینه های مختلف پلنوم وسیع را در جهت انجام وظایف خود جاری دادند. پلنوم در فضای آیدئولوژیک و سیاسی بسیار رفعل و مشارکت

مورهمه شرکت کنندگان برگزار گردید. در باره پلنوم، انتخابات برای برگزینی اعضا و مشاورین تازه کمیته مرکزی و به دنبال آن انتخابات برای گزینش اعضای هیات سیاسی و هیات دبیران و دبیران اول کمیته مرکزی و مسئول کمیسیون کنترل مرکزی صورت گرفت. پلنوم مجدداً رفیق فرخ نگهدار را به عنوان دبیران اول کمیته مرکزی برگزید.

پلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی برگزار شد که رژیم ترور و اختناق خمینی بیگانه می کند. برگزاری این پلنوم وسیع مشت محکمی بود بر دهن یا وه گویان رژیم که مدعی غلبه بر جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما هستند. پلنوم پیوند میان دستگا رهبری و تشکیلات را مستحکم تر کرد. پلنوم نیروی فداییان خلق را در مبارزه علیه رژیم خمینی تقویت کرد. پلنوم بی گمان به نقطه عطف در حیات انقلابی سازمان ما است. امروز فداییان خلق ایران در هر کجا که باشند نیرومندتر از پیش و با ایمانی والا تر نسبت به سازمان را اهداف و آرمان های انقلابی خویش، با همه هستی خود در راه تحقق تصمیمات و اما ج های که پلنوم فرا روی سازمان قرار داده است، تابه آخر خواهند رسید.

با ایمان به پیروزی راهمان
دبیرخانه
کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

اسناد مصوب پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در شماره آینده کار به چاپ می رسد.

بحران اقتصادی و فقر و فلاکت زحمتکشان

و رشکستگی و بحران اقتصادی جمهوری اسلامی هر روز شدید و شدیدتر می شود. این بحران که ریشه اش نظام سرمایه داری و وابستگی اقتصاد دکتور است، برای سرمایه ستها و ضد خلقی رژیم خمینی و خصوصاً ادامه جنگ ویرانگر چنان اوج گرفته است که امروزه منتظران کشور در معرض رشکستگی و تعطیلی قرار گرفته، میلیونها کارگر و کارمند دیگر در معرض اخراج قرار دارند و میلیونها مومطن ما به تن شب محتاج شده اند.

بهبازدنبوی وزیر صنایع سنگین رژیم در سخنان خود افشاگرانه اش چندی پیش به درمادنگی و عجز رژیم در مقابل بحران اعتراف کرد و گفت: «این بحران است که مدت ۳ سال با آن مبارزه کردیم. اما دیگر تثبیت شده در سطح جامعه می باشد و در زمان هم نمی رسد که اوضاع و احوال و شرایط موجود را تغییر دهیم.» (کعبان - ۷ بهمن ۶۴).

چشمش دهقانی و وظایف ما
در صفحه ۵

بی سابقه قیمت های نفت از یک سو و ادامه جنگ و حملات رژیم صدام به هرمینال نفتی خلیج فارس - بزرگترین ترینال نفتی ایران - که رژیم خمینی را در صورت نفت با ناتوانی های جدی مواجه کرده است، بحران ارزی رژیم را وارد مرحله کیفی تازه ای ساخته است. رژیم خمینی برای راهیستی از این مهلکه به حراج بی سابقه نفت دست زده است ماه گذشته جمهوری اسلامی با دست کشیدن از سیاست بقیه در صفحه ۵

به یان فدایی قهرمان قربانعلی مؤذنی پور

با فرارسیدن خردادماه ۲۰ سال از شهسادت قهرمانانه رفیق قربانعلی مؤذنی پور، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران میگذرد. با شهسادت او، سازمان ما یک انقلابی پر شور و بیگ انسان بزرگ را از دست داد. رفیق مؤذنی پور سمبل برجسته ای از یک فدایی خلق بود، از لحظه ای که خود را شناخت، تا مسمی وجودش را در خدمت جنبش انقلابی گذاشت، هنوز خیلی جوان بود که به مقوف سازمان پیوست. طبعی ضربه های وارده به سازمان در سال ۵۴ دستگیر شد و با استواری به مصاف دشمن رفت. شکنجه تاسرخند مرگ، یک سال زندگی در سلول انفرادی و محکومیت به زندان ابد را سرفرازانه تحمل کرد و دشمن را با مقاومت دلیرانه، دفاع از آرمانهای پیش در پیدا نگاه نظامی و زندگانی رزم جویانه در زندان شاه خوار کرد. اراده استواری را که در چهره انسان این سالهای پر بار و پر بار و پر بار زندگی آبدیده کرد، تکه تکه گاه مظمئن فعالیت های پیش در پس از انقلاب بقیه در صفحه ۲

بسیج کارگران برای
صلح و آزادی علیه رژیم

تلاشهای رژیم خمینی و محافل امپریالیستی و

راستگرای فزاینده علیه مهاجرتین را محکوم می کنیم

اخیرا (۲۱ اردیبهشت ماه) سازمان مهاجرتین خلق ایران طی اطلاعیه ای که در نشریه مهاجرت انتشار یافت، اعلام کرده است که این نشریه تا اطلاع ثانوی منتشر نمی شود. اطلاعیه دلایل این کار را "تشبیهات دشمن ضد بشری و دیگر محافل ارتجاعی و امپریالیستی و تحریکات تروریستی دوام گذشته" پیرامون مساله اقامت دستگا رهبری سازمان مهاجرتین در حومه پاریس اعلام کرده است. ما بیرویدادها نیز نشان می دهد که امکان حفظ سطح کنونی فعالیت دستگا رهبری سازمان مهاجرتین در پاریس با دشواری های جدی روبرو شده و بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- همه چیز برای انسان زحمتکش - در صفحه ۶
- به مناسبت یزگاری نکره ۲۷ ح.ا.ش - در صفحه ۶
- یزگاری سیزدهمین کنگره حزب کمونیست بلژارستان - در صفحه ۶
- آرد و گاه شکنجه برای زنان آزاده - در صفحه ۸
- امپریالیسم آمریکا، جنگ افروزی و تجاوز - در صفحه ۳
- یازدهم فاجعه های جنگ - در صفحه ۲
- انتخابات فرمایشی "شورا" و وظایف کارگران - در صفحه ۸
- آفریقای جنوبی: ماجراجوییهای نومیادانه - در صفحه ۸

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

بازهم فاجعه‌های جنگ

درجبهه‌های جنگ نبردهای سنگین و فاجعه آمیز به قیمت کشتار هزاران تن از مردم دوشواریا و عراق ادامه دارد. ارتش اسرائیل با درگیری در نقاطی ازجمله دست به پیشروی زده و اخیراً شهرمهران را اشغال کرده است. حمله هوایی جنا پیکارانه عراق به بگ قطار مسافربری موجب کشتار گروهی از مردم بی گناه میهن ما گردید. پالایشگاه تهران بمباران شد و خطر گسترش حملات هوایی عراق به شهرها بالاگرفته است. جمهوری اسلامی که درتهاجم است اخیراً خود برای تصرف بصره با شکست مواجه شده است؛ تلاشها و تحریکات دیپلماتیک برای بسیج نیرو و تدارک حمله مجدد بگرمی گردید.

ادامه جنگ ارتجاعی، مورد بهره برداری همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع منطقه است. امپریالیسم آمریکا با استفاده از ما جرایب جویبهای جنا پیکارانه رژیم خمینی، به گسترش حضور نظامی و تشدید تلاشهای مداخله جویانه خود در منطقه مشغول است. دولت آمریکا فریبکارانه اعلام کرده است که اجازه نخواهد داد "گسترش آزادی در خلیج فارس به خطر نیفتد. ناوهای آمریکایی و فرانسوی و نیروهای با این بهانه در نزدیکی مرزهای آبی جنوب کشور ما مستقر شده اند. بر این نخستین بار در ناوچه های آمریکایی و فرانسوی راه را بر ناوهای جنگی خمینی بستند و مانع بازرسی یک کشتی فرانسوی توسط نیروهای جمهوری اسلامی شدند. دولت ریگان با استفاده از تشنجیات اخیر تلاشهای دا منهداری را در جهت لغو تصمیم کنفره آمریکا مبنی بر عدم فروش سلاح به عربستان سعودی براه انداخته است. و قصد دارد با توسل به خطر گسترش جنگ "میلیونها دلار را سلاح در اختیار عربستان سعودی قرار دهد.

حضور گسترده و مداخله جویانه آمریکا در خلیج فارس نگرانی خلقهای منطقه و نیروهای صلح دوست سر راهی جهان را برانگیخته است. اما رژیم خمینی هر تلاش صلح جویانه ای را بدون نتیجه می گذارد. روزنامه حکومتی رسالت در مقاله ای تحت عنوان "صلح طلبان و نغمه های شوم صلح" افشاش کرده که تنها از آغاز سال

۶۴ تا تیرماه سال گذشته، یعنی کمتر از ۱۵ سال فریب ۱۰۰۰ تلاش بین المللی برای خاتمه جنگ صورت گرفته است (رسالت - اول بهمن ۶۴). اما رژیم همه این تلاشها را رد کرده است و همچنان بر طبل جنگ می کوبد.

همزمان با آغاز سال نو، فریادهای جنگ طلبانه رژیم بازم تشدید شد. همه مسئولان حکومتی برادامه جنگ و خونریزی در سال جدید تاکید کردند. خمینی سرمدار جنا پیکاران با رد بیگفتو دادگه: "هر کسی می تواند جبهه با بدبورد و هر کس نمی تواند در پشت جبهه کمک کند". نخست وزیر رژیم اعلام کرد: "جنگ برای دولت در اولویت کامل قرار دارد و دولت همه امکانات خود را برای پیشبرد اهداف نظامی جنگ بسیج کرده است." رژیم خمینی برای جلوگیری از انفجار رخم مردم و ترغیب آنان به ادامه جنگ هر روز و هر ساعت وعده پیروزی می دهد. همه مسئولان حکومتی در پیامهای خود در آغاز سال نو سال ۶۵ را "سال پیروزی" اعلام کردند. جمعی پرسند: کدام پیروزی؟ ۵/۵ سال است که سران جنا پیکار جمهوری اسلامی به مردم وعده پیروزی درآینده نزدیک را می دهند. اما این "آینده نزدیک" هرگز فرارسیده نخواهد رسید. رژیم بحران زده خمینی قادر به پیروزی نظامی در جنگ نیست. توده های مردم نیز در پیروزی رژیم و اهداف توسعه طلبانه آن هیچ تفسیری ندارند. آنچه که رژیم "سال پیروزی" اعلام کرده، نتیجه اش تنها خونریزی و کشتار و فویرانی و فقر و گرسنگی بیشتر برای مردم است.

توان رژیم برای ادامه جنگ هر روز کاهش می یابد حکومتگران در بسیج نیروها دشواریهای بزرگی روبرو هستند. رژیم برای حفظ روحیه سربازان خسته از جنگ و جلوگیری از گسترش اعتراضات، به روشهای گوناگون می کوشد تا آنها را سرگرم کند. دسته دسته زنانی را که شوهرانشان کشته شده اند به جبهه ها می فرستند. درجبهه ها کاغذهای چاپی "زدواج موقت" را به فروش می رسانند. به جنگ زدگان موتورسیکلت جایزه می دهند... این اعترافات تنبوی نشان دهنده روشهای است که سران جمهوری اسلامی برای بالنگاه داشتن روحیه "رزمندگان اسلام" بکار می گیرند: "یک تا سه سلند با لامی آید که ۲۰۰ تا ۳۰۰ دستگاه ازهمه

علی الحساب سال ۶۴ کارمندی پیکان نیروهای مسلح که درجبهه ها هستند (بفرستند) روحیه آنها را تضعیف می شود، اگر آنها را تحویل ندهیم" (پیکان ۶ بهمن ۶۴)

درکنار توسل رژیم به شیوه های کثیف تطمیع برای برگردن جبهه ها، دستگاه سرکوب رژیم به شدت فعال است. مردمی را درجبهه ها تیرباران می کنند و به قتل می رسانند. ما موران مسلح رژیم در شهرها و روستاهای کشور، دسته دسته جوانان را شکار می کنند و به جبهه ها می فرستند. انواع فشارها از نفوس همبسته کوبن تا محرومیت های گوناگون اجتماعی را برای کشتار نندن مردم به جبهه ها بکار می گیرند و از طریق سرکوب و زندان و کشتار می کوشند تا معترضین اعتراضات مردم علیه جنگ شوند. خمینی جلاد در یکی از آخرین دستوراتش گفت: "کسی که اشکال به جنگ دارد، او جبار است برش که برود جنگ!"

علیرغم تلاشهای رژیم موج مخالفت با جنگ مردم بیشتر گسترش می یابد. اعتراض به جنگ و کشتار چنان ابعاد یافته است که دیگر حکومتگران قادر به برده پوشی آن نیستند؛ خمینی در سخنرانی خود در فروردین به بیان اعتراضات روبرو گسترش اعتراف کرده و بسا خسرو نفرت به مخالفین جنگ حمله نمود. او در پیام به کسانی که مخالفت مردم با جنگ را منعکس می کنند، فریاد کشید که: "این بین مردم از کجا آمدند که با جنگ مخالفتند؟"

شاه نیز زمانی که می خواست مبارزات مردم را انکار کند، می گفت: "اینها ملت ایران نیستند، مثنی خود فریاد خسته اند که از تو مرز آمده اند. ملت ایران هاستایی هستند که به نفع قانون اساسی تظا هرات می کنند" تاریخ گاهی به شکل عجیبی تکرار می شود. خلیفه جمرا از نیز از مرز پیش سلطان بنیامان نمی دانند که این مردم از کجا آمده اند. سلطان بنیامان وقتی دید که همین مردم مرز را میمانش را در آستانه نایب بودی قرار داده اند، فریبکارانه حرف خود را پس گرفت و خطاب به مردم اعلام کرد: "صدای انقلاب شما را شنیدیم". اما مردم مدت ها بود که دیگری خواستند صدای او را بشنوند. بدون شک خمینی نیز مثل شاه مجبور خواهد شد صدای انقلاب مردم را بشنود و طعم گسستن و درهم شکستن رژیمش را که جز خونریزی و ویرانی ارغانی نداشت، بچشد.

تلاشهای رژیم خمینی...

در پیدایش این دشواریها عوامل متعددی دخالت داشته اند. مقدم بر همه تلاشها و باج دهی های سران جمهوری اسلامی، که حاضرند منافع ملی ایران را قربانی پیشرفت نقشه های جنا پیکارانه خود علیه نیروهای مترقی ایران سازند، علت تشدید فشار بر مجاهدین خلق است. رژیم ترور و سرکوب خمینی که از هیچ توطئه ای علیه نیروهای ترقی خواه ایران فریاد زدن نمی کند، با خیابانهای خونی خود برای "کنار آمدن" با مخالفان ارتجاعی و راست است فرانسوی از طریق دادن باجهای کلان و سرپیچان دادن میلیاردها شورت ملی ایران افزوده است... رژیم خمینی قبل از تحولات اخیر دولت فرانسه نیز به این تلاشها دست زد. و سه شرط را هم برای بهبود رابطه خود با فرانسه مشخص کرد که عبارتند از: ۱- حل مساله یک میلیارد دلار وام ایران به فرانسه، ۲- قطع حمایت و فروش سلاح به صدام و عراق و نیروهای مخالف رژیم از فرانسه، ۳- چندی قبل که مقامات فرانسوی به فکر ترمیم رابطه فرانسه و جمهوری اسلامی افتادند و یکی از بیلند با بیان دولت متران را راهی تهران کردند، سران رژیم خمینی همین سه شرط را پیش پای آنها گذاشتند. اخیراً که کا بینه دست راستی ژاک شیراک روی کار آمدند و مواضع نیروهای تزار دست و تنوفا شیت در پارلمان و کشور تقویت شد، تمایل دولت فرانسه به ترمیم رابطه با تهران نیز تقویت شده و رژیم خمینی هم امکانات تازه ای برای حل "مسائل" خود با دولت فرانسه به دست آورده است.

مخالف امپریالیستی و دست راستی فرانسه هم به علت آمیدی که به معامله با خمینی و به دست آوردن جای پای محکمتری در ایران و منطقه داشته و در نهمه و علت خصومت پایدانی تا پذیرش این دیموکراتیک و ملی ایران مدتها بود که تمایل به صلح و اما دگی زیاده ای برای حل "اختلافات" با رژیم خمینی از خود نشان می دادند، روی کار آمدن کا بینه ژاک شیراک برآما دگی این مخالف و کابینه آنان خواهد افزود.

البته مخالفان وابسته به انحازگران فرانسوی فقط برای حل "پارهای اختلافات" با رژیم خمینی از خود آمادگی نشان داده اند نه برای حل "تمام اختلافات" بدین معنا که فرانسه آمادگی بدهد که نیروهای مترقی مخالف رژیم خمینی را تحت فشار قرار دهد و در مقابل جمهوری اسلامی نیز آمادگی پیدا کند که مساله یک میلیارد دلار وامیناسبات اقتصادی "با فرانسه" به نحو مطلوب "حل کند و مناسبات دوشواریا بیدار، امپریالیسم

به یاد فدائیان قهرمان...

قرارداد در ساختن رهبری تشکیلات سازمان در مقاط مختلف کشور تقشی برجسته داشت و با پشتکار که از ویژگی های قابل تاکید شخصیتش بود. مشکلات و پیچیدگی های از سر راه برداشت. در شرایط دشوار پس از یورش بربرمنشانه سران جمهوری اسلامی به کمونیست های ایران، از زمره کسانی بود که مسئولیت های بیشتری را در هدا یت تشکیلات سازمان برعهده داشت. رفیق مؤذنی پور سرانجام پس از یک سال پیگرد، بدست جلادان خمینی افتاد و ددمشانه شهید شد و جان پاک برسر پیمان نهاد.

رفیق مؤذنی پور انسانی بزرگ بود، آرامش و فروتنی، صمیمیت و مهربانی، صبوری و صداقتی که در جودش داشت همه انعکاسی از روح پاک انسان والابدود. همیشه این قدرت را داشت که با کسانی که نظراتی شیراز او داشتند، روابطی صمیمانه داشته باشد چرا که ارزش آدم هارای شناخت و برای پیروزی هر آنچه که انسانی است، بزرگترین تاملی از خود می گذشت. نیروهای تحت مسئولیتش راهادایت می کردند و وسیع ترین ارتباط را با توده ها برقرار می کردند و زندگی خود را در ارتباط با مردم برای آنها آموزش عملی بود.

تحمل شهادت همزمان و برکردن جای خالی آنها، همیشه دشوار است، ولی، مبارزان انقلابی می توانستند سرمشق پاران شهید را الهام بخش کار انقلابی خود قرار دهند و بدینگونه آنان را در رزم جانانه خویش و در برطن سازمان پیکار خود همسوار زنده نگه دارند.

در برابر خرافه تا بناتک و جاودان رفیق شهیدمان، سر تعظیم فرود می آوریم و پیمان خود را برای پیروزی آرمانی که او زندگیش را بر سر آن گذاشت، تجدید می کنیم.

در جهت دیگری منحرف گردد. سازمان ما ضمن محکوم کردن اقدامات رژیم خمینی و مخالف امپریالیستی و راستکاری فرانسه علیه مجاهدین، فشارهای اخیر بر این سازمان را اساساً فشارهای امپریالیستی و ارتجاعی می دانند که سمت آنها جلوگیری از فعالیت نیروهای مبارز و ترقیخواه ایران است. اما از کوششهای مجاهدین برای مقابله با این فشارها و توطئه ها تا مین شرایط مناسب برای فعالیت خود قاطعانه حمایت می کنیم.

امپریالیسم آمریکا، جنگ افروزی و تجاوز

سیاست های جنگ افروزان و بی نهایت ارتجاعی امپریالیسم آمریکا در عرصه های گوناگون بین المللی و در داخل آمریکا در عرصه های گوناگون بین المللی و داخلی و نیز در عرصه های ملی بوجود آمده است. این سیاستها را می توان آشکارا در گسترش بی سابقه سلاح های هسته ای، تجاوزات شکار بیگانه کشورهای مترقی و انقلابی، ایجاد مناطق تشنگی، کمک و تربیت دستجات فدائیان انقلابی، توسل به تروریسم دولتی و همچنین ایجاد آلترونا تپوهای بورژوا - رفارمیستی در مقابل آلترونا تپوهای انقلابی - دیربرخی از کشورهای دست نشانده مشاهده کرد.

امپریالیسم آمریکا بمانند دژا رتجساع بین المللی به بزرگترین جناح پارتی در حق بشریت دست زده و بدترین منافع تسلیماتی را با هدف کسب برتری تحمیل می کند. دولت ریگان برای وارد آوردن "فره اول"، به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی به اقدامات دیوانه وار متوسل می شود. به معنی از استقرار روشنگاری میان برده آمریکا در تعدادی از کشورهای اروپای غربی برنامۀ "جنگ ستارگان" در دستور قرار گرفته است. در سال گذشته سلاحهای ضدهواهای بیستون بخشی از برنامه "فره اول" در آمریکا مورد آزمایش قرار گرفت. دولت ریگان استقرار سیستم ضدهواهای راتاسال ۱۹۸۷ در برنامه خود قرار داده است. به علاوه واشنگتن مداروهای سلاحهای غیرهسته ای را برای برپا کردن جنگ های مداوم گرانگه در مناطق مختلف (نظیر گرانادا، نیکاراگوئه، السالوادور...) انباشت می کند. با گسترش سابقه تسلیحاتی، اقدامات آمریکا هرچه بیشتر به سوی نظامی شدن سوق پیدا می کند. این امر به تعمیق بحرانهای ادواری آمریکا کمک می کند و موجب کاهش مداوم بودجه برنامه های اجتماعی، کاهش کاپیترال و افزایش بیکاری می گردد. به گفته گس ها ل دبیرکل حزب کمونیست آمریکا، هم اکنون در آمریکا ۲۵ میلیون نفر بیکار و ۵۵ میلیون فاندسمن هستند. دولت ریگان سال به سال بر بودجه نظامی کشور می افزاید. "بودجه دفاع ملی" ۸۴٪ از ۲۰۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳ (۸۳ - ۱۹۷۷) ۲۵۱ میلیارد دلار (بیش از دو تریلیون دلار) در سال ۱۹۸۸ - ۱۹۸۳ یعنی به دو برابر رسیده و افزایش خواهد یافت.

اختصاص بودجه های کلان برای هزینه های نظامی و گسترش بی سابقه تسلیحاتی توسط دولت ریگان، برای مجتمع های صنعتی - نظامی بودهای کلان فراهم می آورد. هم اکنون انحصارات تولید کننده اسلحه، زینت های نظامی، ما موربیسیل دولت و ارگانهای آیدئولوژیک در مجتمع های صنعتی - نظامی در هم آمیخته اند و به جدی ترین مجریان و سازمان دهندگان ما سئوهای ما چرا جویان شده و تجاوزگران تبدیل شده اند. اتحاد دوشومای جهان کارخانجات مرگ و ارگانهای نظامی و ادواری دولت آمریکا، تکلیف گاه افراطی ترین نیروهای ارتجاعی و منیع دائمی و فزاینده خطر جنگ است.

دولت ریگان بعنوان نماینده ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم آمریکا، همچنان در مقابل تسلیمات و تلاشیهای مسئولان اتحاد شوروی و پیششاهان مسلح سازمانده آن ایستادگی کرده و بر برطیل جنگ می گوید. با وجود ملاقات سران دو کشور در ژنو در سال گذشته دولت ریگان هیچ گام جدی برای مهار سابقه تسلیحاتی بر برداشته است. هم اکنون برنامه "جنگ ستارگان" و سایر برنامه های ریگان با وسعت هر چه بیشتر پیش می رود.

امپریالیسم آمریکا با ادعای تسلط بر جهان خود سرانه تمام قاره را با منافع "مناطق خاصی" خویش اعلام داشته و به سیاست تجاوزگران و مداخله جویانه علیه خلق های تحت ستمی پرداخته. دولت ریگان از یک سو حکومت های مستبد و ضد مردمی و نظیر حکومت السالوادور شیدا حمایت بعمل می آورد و از سوی دیگر تلاش می کند حکومتها یا انقلابی را از میان بردارد. در این زمینه میتوان از نمونه نیکاراگوئه و کوبا در آمریکا و لاتین و دولت افغانستان را در آسیا نام برد. ریگان منافع کلانی در اختیار برندهای فدائیان انقلابی نیکاراگوئه برای خرابکاری در داخل این کشور قرار می دهد. سازمان "سیا" برای پیشبرد موثر این سیاست استراتژی / ر دستجات خرابکار را سر هم بندی کرده و گروه از آنها را در "اتحاد بوزسیون نیکاراگوئه" گرد آورده است. در کاستاریکا و هندوراس هزاران نفر از مشاوران نظامی آمریکا فدائیان انقلابی را آموزش می دهند. بر طبق دستور کار سفید هندوراس ۲۷ بیکانه نظامی آمریکا ساخته شده است. به علاوه دولت ریگان بطور رسمی مناسبات اقتصادی با دولت

انقلابی نیکاراگوئه را تحریم کرده و به متحدین خود در اروپا فشار می آورد که از این سیاست پیروی نمانند.

واشنگتن در افغانستان نیز بیشتر از ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار برندهای خرابکار رچت کشتار مردم بی گناه گذاشته است. پاکستان که در خاک آن متجاوزان ۱۲۵ میلیارد دلار فدائیان افغانی وجود دارند به سر بل تجاوز علیه جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان تبدیل شده است. از خاک پاکستان یورش می آورند و به کشتار و خرابکاری می پردازند. در جنوب آفریقا نیز دولت ریگان به کمک رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از سازمان فدائیان انقلابی "آپتسا" که به خرابکاری علیه دولت متروقی است آنگونه عمل می کند، پشتیبانی کرده و به کمکهای مالی فراوانی می رساند. سرکرده این دسته خرابکار (راسمیسی) در اوغز تپو برای دریافت میلیونها دلار کمک جدید و واشنگتن مساعدت کرد. دولت آمریکا همچنان از دستجات ضد مورزا میبیک - مقاومت ملی مورزا میبیک که همانند سازمان اوپتسا در خاک کشور خود بدزمرگ می افشانند، حمایت بعمل می آورد.

ریگان که خود سرکرده تروریست های بین المللی است، به بهانه مبارزه با تروریسم بین المللی به اقدامات تلافی جویانه علیه دولت های مترقی متوسل می شود. آمریکا کارزار گسترده را علیه دولت لیبی راه انداخته است. بمباران پایتخت لیبی و کشتار مردمی که آن، نمونه ای از اقدامات تبهکارانه دولت ریگان علیه مردم این کشور است. آمریکا هم اکنون در مدد پیشبرد همین سیاست در مورد دولت سوریه است.

دولت آمریکا با اتخاذ این سیاستها، بر کانونهای تشنج در مناطق مختلف می افزاید و بر دستهای کاپیترالیست این کانونها در صدد آن است که حضور خود را در این مناطق گسترش دهد و بر نفوذ خود بیفزاید.

علیرغم حمایت امپریالیسم آمریکا از دولت های دست نشانده و مستبد، و روند مومکراتیزه شدن در آمریکا و لاتین و در تعدادی از دیگر کشورهای پیش می رود. توده های مردم در مقابل دیکتاتورهای نظامی ایستاده و خواهان بهبود وضع زندگی مادی و استقرار دموکراسی در کشورهای خود است. خواستهای نظامی بر اثر فشار مردم و جنبش های ضد دیکتاتوری و بحران های اقتصادی قادر به ادامه حکومت مستبدانه خود نیستند. در آرتین، اوگوشه و برزیل، نظامیان مجبور شده اند حکومت را بدست غیر نظامیان بسپارند. در این کشورها دموکراسی پارلمانی جایگزین حکومت های نظامی شد. در سوئد و فیلیپین نیز بر اثر جنبش گسترده توده ای، دیکتاتورها کنار رفتند.

امپریالیسم آمریکا که در مقابل موج روبه گسترش جنبش توده ای قادر نیست، دیکتاتورهای دست نشانده خود را حفظ کند، می کوشد که از ادیکتاتور لیزه شدن جنبش های ضد دیکتاتوری و شکل گیری آلترونا تپوهای انقلابی جلوگیری بعمل آورد و از اینرو به پیدایش و تقویت آلترونا تپوهای بورژوا - رفارمیستی یاری می رساند. نمونه ای از این سیاست می توان در فیلیپین مشاهده کرد. در برخی موارد دولت ریگان بطور برنامه ریزی شده در این کشورها (مثل کره جنوبی) آلترونا تپوهای مخفی را تشکیل می دهد تا در موقع آنها راه صحنه سیاسی سوق دهد. سیاست آمریکا در این کشورها بر این پایه متکی است که همچنان می کوشد امرهای مهم کابینت مثل رتش و ارگانهای امنیتی را در دست خود حفظ کند. انحصارات را از زنجیر توده ها مومن نگه دارد و مناسبات اساسی را رتبار خود را با این کشورها ادامه دهد. مقابل به سیاستهای جنگ افروزان ریگان و زنگران امپریالیسم آمریکا، اتحاد و وحدت عمل هر چه گسترده تر نیروهای ملحد، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم را می طلبد. جامعه سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی، دولت های مترقی و نیروهای انقلابی و ملحد دوست با تمام قوا می کوشد که جنگ - افروزی امپریالیسم جهانی را مهار کند، تضمین های لازم برای استقرار صلح جهانی را بوجود آورد و امکان تجدید برای گسترش مبارزات خلق های تحت ستم فراهم سازند. مبارزه در راه این ماجرا وظیفه اساسی و تاریخی پذیره نیروی ترقی خواه و انقلابی در هر گوشه جهان است.

خسرو روزبه، پرچمدار مقاومت و ایثار

۲۱ اردیبهشت روز شهادت خسرو روزبه، قهرمان کمونیست و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است. زندگی خسرو روزبه حتماً برای شما ناگنیز و الهام دهنده است. او کمونیست و آلترونا تپوهای سوسیالیستی ثابت قدم، میهن پرستی پر شور و روزمنده ای ایثارگر بود که تا پای جان بر سر پیمان خود با حزب خویش و با مردم خویش ایستاد.

رفیق خسرو روزبه از سال ۱۳۲۲ به عضویت حزب توده ایران درآمد. او از زمره نخستین افسرانسی بود که به حزب توده ایران پیوست. او در دفاعات خود می گوید: "اگر عاشق و شقیفته سوسیالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود بر تری اصول آنرا بر سر بر رژیمها احسان کرده ام..."

بعد از کودتای شنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزبه در شرا پتی بسیار سخت نبرد خود را در سنگر حزب توده ایران ادامه داد. روزبه معتقد بود که با نشان دادن نمونه های عالی جانبازی می توان و با بسط به شکست روحی چیره شد.

در شرا پت نشواریها پس از کودتای روزبه قهرمان لحظه ای از اندیشه دفاع مسلحانه در برابر برداشتن غافل نبود و همیشه سلاح آماده شلیکی در جیب داشت. مرد روزی را سخت رسالت خطیر را بر عهده گرفت. در آن لحظه در کمر او، و نیز بر سر او، هر کمونیست ما در هر لحظه آماده بود که آتش و ارکان در تیر بنده، و خسود می گوید: "... خوب مردن هم مثل هر کار دیگری مستلزم بلد بودن است... انسان است که بخاطر سر آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود شربت شهادت بنوشد. راه خوب مردن را بلد است."

روزبه در دوران فعالیت انقلابی اش چندین بار دستگیر و زندانی شده و در هر بار رشکلی و با کمک رفقای اش از چنگ دشمنان رها می یافت. ولی در ۱۵ تیرماه ۱۳۴۶ بر اثر شیبانیت خود فروختگان پس از یک درگیری شدید مسلحانه و مقاومت قهرمانانانه مجروح شد و با تمام زینت های جسمی و روحی بود. در این مدت چون بولاد - مقامت نموده و همچنان به عهدش وفا دار ماند: "من به عقاید خودم پایبندم، نظرات سیاسی مرا مقدس می شمارم، به عهد و سوگند خود وفا دارم و با مفاصلی که در زیر انگشت حزب توده ایران کرده ام، احترام می گذارم و هرگز بخاطر طلب منفعت یا دفع خطر پیمان خود را نمی شکم".

خسرو روزبه بیباک شاه را به منصفه افسانهای تمامیت رژیم ضد مردمی بدل ساخت. به حق نیست اندیشه و آرمانهای والای کارگران و زحمتکشسان پای فتراد و محاکمه خود را به محاکمه رژیم تبدیل نمود.

روزبه هنوز زنده بود که قهرمان شید بسیل شد و انگاه که دلبران به جان باخت بر کوه ایمن قهرمانی افزوده گشت. سنت روزبه را همزمان او، کسان و همچون رفیق پرویز حکمت جویان داشتند. رفیق حکمت جوکه ۲۴ خرداد ۱۳۵۳ پس از سال اسارت و زینت شکنجه های وحشیانه در زندان با اوک شاه شهید شد و ز جمله زندانیان بود که با مقاومت و شجاعت و روحیه روزمنده اش بدر مقام دست دربار افتاد و رها شد. زندانیان رژیم شاه می پراکنند. دشمن هیچگاه نتوانست حتی برای لحظه ای روحیه شاداب و انقلابی رفیق حکمت جو را بفرمده سازد.

رفیق پرویز حکمت جو سال ۱۳۳۱ به صفوف حزب توده ایران وارد شد. و در سال ۱۳۳۱ به صفوف حزب توده ایران فعالیت می کرد. او بعد از کودتای خونین ۲۸ مرداد مجبور به مهاجرت گردید. ولی در سال ۱۳۴۳ برای ما موریت حزبی دوباره به میهن بازگشت و دیگری گذشت که دستگیر شد.

در پیدادگاه رژیم شاه رفیق حکمت جو به مرگ محکوم شد. ولی فشار افکار عمومی در ایران و جهان مانع اجزای حکم شد. اما رژیم کینه توز شاه که در آن زمان نتوانست بود، به خواست پلید خود عمل کند، با لاف در خرداد ۱۳۵۳ رفیق حکمت جو را بطرز وحشیانه ای زیر شکنجه های شدید به شهادت رسانید. رفیق حکمت جو در آخرین دفاعاتش گفت: "... عشق آتشین من به وطنم، به رفقایم، به دوستانم، تمام آنهاست که برای هر روزی افراد شادمانند و رنجبر در تلاش می باشند، و عشقم به زحمتکشان میهنم و سراسر جهان، عشق و احترام به کسانی است که در راه ملج بین کینه مندل به جهاد برخاسته اند و این عشق بزرگ به سعادت مردم است که با صلح و صوفیان در مقام فنا می نشانده است." توده های روزمنده و همه کمونیستهای ایران سنت روزبه و حکمت جو را پاس می دارند و مردم ما در نبرد علیه دشمنان از این فرزندان دلیر و جوانان خود الهام می گیرند.

پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

آدرس: P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA

ایریش

مسابکهای: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 02910701 - 850 DR. GERTRAUD ARTNER



کارگران در راه آزادی های سیاسی می بايست برآن تکیه کرد.

مبارزه قاطعانه برای انحلال انجمن های اسلامی وعلیه مداخلات سرکوبگرانه و پلیسی دستاویز سیاسی وکمپینها در امور صنفی - سیاسی کارگران وکانالیزه کردن این مبارزه علیه مجموعه سیستم ارتجاعی وپلیسی حاکم برکشورموشورتربین محمل بسیج و سازماندهی توده کارگران علیه خفقان پلیسی حاکم وعلیه رژیم مستبدخیمینی است . کارگران در جریان مبارزات صنفی روزمره خود بطور مشخص و مکرر با اشکال مختلف تفحیش و اختناق مواجهند که با رزترین مظهر اعمال آن در محیط کار ، انجمن اسلامی است . انجمن اسلامی بمثابه ارگان جاسوسی ، خبرچینی وپرونده سازی علیه کارگران ومهمتر از آن بعنوان ارگانی وابسته به رژیم و کمپینها صلی اش همدستی با ارگانهای سرکوبگر از طریق مداخله واخلال در امور صنفی ، صماعت از جمع ، تشکل ، اعتماد وهرگونه آزادی صنفی و سیاسی کارگران می باشد ، مورد نفرت توده کارگران است . انجمن های اسلامی بدلیل وابستگی وارتنباط شان باحزب جمهوری اسلامی ، وزارت اطلاعات دادستانی انقلاب و سپاه وکمپینها ، در واقع موشورتربین ارگان اختناق و فشار پلیسی رژیم در محیط های کار هستند . ادا ره خرات (بمثابه حربه مدیریت علیه کارگران) از برخی جهات نقشی مشابه انجمن اسلامی بازی کند اما انجمن اسلامی ، بخاطر کیفیت ارتباطی با ارگانهای سیاسی ذینفوذ حاکم ، از دیگر ارگانهای ضد کارگری متمایز است . و اما انجمن اسلامی در عین حال پائین آشیل رژیم ولایت فقیه در محیط های کارگری نیز هست . لذا باید در مرکز حملات سازمان یافته ، مستمرو کوبنده فعالین وپیشروان کارگری قرار گیرد .

مبارزه کارگران برای انحلال انجمن های اسلامی وخنثی کردن مداخلات ارگانهای پلیسی و سرکوبگر در امور کارگری ضرورت عینی داشته و مبارزاتی است باخصیصی عمیقانه توده ای . ماهیت ضد کارگری وفسد دموکراتیک انجمن اسلامی و ارگانهای ذینفوسود حا می آن ونیز عین بودن سرشوند آن با سرشوند ولایت فقیه موجب می شود که مبارزات توده ای کارگران برای انحلال آن وعلیه ارگانهای سرکوبگر حاکم جهت تامین آزادیها وحقوق دموکراتیک سندیکیایی به سرعت وسهولت با مبارزه علیه استبداد رژیم خیمینی گره بخورد .

کارگران پیشرو و آگاه با بدرا بطنه عینی وپیوند منطقی میان مبارزه برای تامین آزادی های صنفی - سیاسی (حق تشکل ، حق اعتراض ، تحمسن اعتماد ، نظارات و...) ومبارزه برای تامین آزادی های سیاسی وحقوق دموکراتیک عام را برای توده کارگران توضیح دهند . تلفیق مشخص این مبارزه در کارخانجات عبارت از بسیج توده کارگران در مبارزه علیه ارگانهای پلیسی و سرکوبگر رژیم بویژه انجمن اسلامی ، نشان دادن پیوند این ارگانها در سیستم استبدادی ولایت فقیه وکانالیزه کردن این مبارزه علیه رژیم خیمینی بمثابه مسبب اصلی اختناق و آزادی کشی است .

سازماندهی هسته های مخفی کارگران برای تسریع در ایجاد تشکل های مستقل توده ای ، بسیج وسازماندهی مبارزه کارگران علیه اخراج ، بیکاری وچنگه بسیج وسازماندهی مبارزه کارگران علیه انجمن اسلامی و ارگانهای پلیسی و سرکوبگر ، علیه اختناق واستبداد حاکم وکانالیزه کردن مجموعه این مبارزه در جهت سرنگونی رژیم جنگ افروز ومستبدخیمینی وظیفه مهم ومیرم کارگران پیشرو همه فداییان خلق است .

کارگران پیشرو!
"قانون شورا های اسلامی کار" حق ایجاد تشکل های صنفی مستقل را از کارگران سلب کرده و دست وزارت کار ، انجمن های اسلامی و مدیریت را برای هرگونه اخلال باز گذاشته است .
در شرایط سر با زحانه ای حاکم بر کارخانجات ، نخستین کام برای ایجاد تشکل های واقعی ، تشکیل هسته های مخفی کارگری است .
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

بسیج کارگران برای صلح و آزادی علیه رژیم

بحران اقتصادی رژیم در شرایط استادا مه جنگ بنحویسابقه ای حدت یافته ومنجر به توقیف پروژه های عمرانی ، تعطیل کارخانجات واخراج گسترده کارگران شده است . کارگران نقش مخرب جنگ را در تشدید فشار کار وعدم افزایش دستمزد ، در تحمیل اضافه کاری اجباری وکسر حقوق به نفع جبهه ، در فشار برای اعزام به جبهه ها واخراج های توده ای وگسترده به عینه می بینند و به اشکال مختلف علیه آن مبارزه می کنند .

بسیج کارگران برای صلح و آزادی علیه رژیم

از آنجا که حق کار و امنیت شغلی در مقایسه با دیگر عرصه های حقوق صنفی (از قبیل حق تشکل و دستمزد) ، ابتدایی ترین و بدیهی ترین حقوق صنفی محسوب می شود ، طبیعی است که کارگران در برابر برتا شرمخبر بحران و جنگ بر امنیت شغلی خود ، بیش از نقض دیگر حقوق واکنش نشان می دهند . مبارزه علیه اخراج و بیکاری چه در اواخر دوره شاه برای لغو ماده ۳۳ و چه در سالهای اخیر همواره از توده های ترین عرصه های مبارزات کارگران بوده است این مبارزه آیتک بیش از هر زمان دیگری گسترده و خاد شده است . در شرایط کنونی مبارزات

ضد جنگ کارگران عمیقاً با جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران ، بویژه با مبارزه علیه اخراج گره خورده است . این پیوند می تواند از یک طرف جنبش سیاسی ضد جنگ وضد رژیم جنگ افروز خیمینی را از پشتوانه حرکت متشکل توده ای بسرخوردا رکنند و از طرف دیگر به سیاسی کردن جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران کمک نماید .

توضیح رابطه میان جنگ واخراج و بیکاری ، تطبیق مبارزه توده ای علیه اخراج و اعتراض علیه جنگ و کانالیزه کردن مجموعه این مبارزات علیه رژیم خیمینی که مسبب همه آنهاست ، وظیفه ای است که باید کارگران پیشرو و آگاه درصورت وظیفه خود قرار دهند . توده کارگران باید بدانند که بدون مبارزه برای قطع جنگ نمی توان سیل اخراج ها را متوقف کرد .

برای بسیج کارگران در راه آزادی مبارزه در راه تامین آزادیهای سیاسی دیگر عرصه اساسی مبارزه طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات خلق است . طبقه کارگر باید در راستای مبارزه باخطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وتامین خواسته های اساسی خود ، امروز پرچم دفاع از آزادیهای سیاسی وحقوق دموکراتیک مردم را بدست گیرد . گسترش و تقویت پیوند میان مبارزه کارگران در راه آزادی های سندیکیایی وحقوق دموکراتیک خود با مبارزه در راه آزادیهای سیاسی طبقه عمده است که برای بسیج

جنبش توده ای کارگری میهن ماکه خصلت اعتراضی ومطالباتی دارد ، فعلاً لترین وموشورتربین بخش جنبش توده ای است . اما ضعف سیاسی وسازماندهی موجب شده است که طبقه کارگر از ایفای نقش شایسته خود در جنبش عمومی خلق بازمانده .

مضمون جنبش اعتراضی ومطالباتی جاری کارگران هنوز عمدتاً اقتصادی است . این عامل ، دامنه اش را جنبش توده ای کارگری را در جنبش عمومی خلق محدود می کند . هنوز کم کاری فراگیر ترین وعام ترین شکل مبارزه صنفی وتوده ای کارگران است و اعتمادات علیرغم تعدد اهمیت شان هنوز ناقص سازمان ونقشه لازم اند . بخش اعظم واحدهای تولیدی وخدماتی کشور از تشکل های صنفی مستقل وتوده ای محرومند . سندیکیا وشورا های کارگری زیر فشار سرکوبگرانه رژیم منحل ویا تضعیف شده و بعضیاً بطور محدود ومخفی فعالیت دارند . تشکل های صنفی کارگری عمدتاً بصورت تعاونیها ، هیات های نمایندگان و کمیسیون ها و کمیته های فرعی صنفی به فعالیت علنی وتوده ای ادامه می دهند ، هسته های مخفی کارگری هنوز اندکند و گسترش وتحکیم نیافته اند و در اغلب موارد هنوز شرایط اولیه تکوین خود را می گذرانند ، یعنی در حد محافل کارگری قرار دارند . "شورا های اسلامی کار" نیز که بعنوان تشکلهای رسمی وقانونی فعالیت صنفی کارگران مطرح شده ، هنوز مراحل انتخاباتی را طی می کند . علیرغم تضییقات پلیسی گوناگون انتخابات میزور به یکی از عرصه های جدی مبارزه کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل بسدل شده است . در شرایط کنونی ، بسیج توده کارگران در مبارزه

برای ایجاد تشکل های صنفی مستقل در محیط وظایف سازماندهی کارگران پیشرو و آگاه قرار دارد . طبقه اصلی ومقدم در سازماندهی این مبارزه ، ایحاد هسته های مخفی کارگری واستفاده از همه امکانات صنفی مبارزه صنفی - سیاسی است .

بدیهی است که برای جنبش توده ای کارگری ، تجهیز سبزه سازماندهی مستقل صنفی ، کامی است به جلو . اما پیشروان کمونیست و کارگران مبارزو آگاه نمی توانند اهرم تشکل توده ای را بسدود تلفیق وظایف آتی ، بدون آگاهی بدون دورنمای مبارزه طبقاتی و سیاسی کارگران وبدون برقراری پیوند میان مبارزه طبقه کارگر و جنبش عمومی خلق بدرستی بکار گیرند .

برای آنکه مبارزات طبقه کارگر در جنبش عمومی خلق هرچه بیشتر منشاء اشگر گردد ، باید جنبش کارگری از محدوده وظایف آتی ومبارزات اقتصادی فراتر رفته وسطح جنبش توده ای کارگری انظر سیاسی ارتقا یابد . فراگیرترین ومقدمترین عرصه های که می تواند مبارزات کارگران را در مسیر سیاسی ضرورت قرار دهد و با مبارزه دیگر اقشار و طبقات خلق پیوند دهد ، مبارزه قاطعانه وسازمان یافته برای صلح و آزادی وعلیه رژیم است .

برای بسیج کارگران در راه صلح چگونه می توان توده های وسیع کارگران را بطور متشکل علیه جنگ ورژیم جنگ افروز ومستبد حاکم به حرکت در آورد ؟ موشورتربین حلقه پیوند میان مبارزات صنفی روزمره کارگران ومبارزه عمومی خلق علیه جنگ در کجاست ؟ این حلقه را باید در نا شویر مخرب جنگ بر شرایط کار روزندگی کارگران

کارگران پیشرو!
قانون شورا های اسلامی کار و انتخابات فرمایشی آنرا افشا کنید .
نگذارید وزارت کار و انجمن اسلامی در انتخابات شوراها دخالت کنند .
کاندیداهای تحمیلی را افشا کنید . به نمایندگان واقعی خود رای دهید .
برای ایجاد تشکل صنفی مستقل ، علیه تحمیل "شورای اسلامی" مبارزه کنید .
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

افراشته باد پرچم رزم کارگران و رنجبران!

جنبش دهقانی و وظایف ما

در تمام مناطق از کشور که زمینداران بزرگ رایج بوده و مساله زمین عمده است، مبارزه برای کسب زمین بشدت ادامه دارد. رژیم خمینی تاکنون نتوانست مطلقاً قبضه زمین را در دست خود کند و این مساله را "مادی" کند و رفته رفته راه جوی بازگرداند.

رژیم علیرغم تلاشهای شدید خود در گذشته است، سرکشت زمینهای کشت موقت سابق را بگونه‌های مالک پسندانه روشن سازد. مبارزه با متحدان در جمهوری اسلامی را در حل دلخواه این مساله ناکام کرده است.

در نقاطی از کشور که مساله زمین از عمده‌گویی برخوردار نیست، دهقانان با تشکلهای فراوانی در زمینه‌های تولیدی و غیرتولیدی مواجه هستند. درکشور اقتصاد کشاورزی تماماً در دست و در کنترل عده‌ای است. اصلاحات زراعی، بازگشت بزرگ مالکان و تلاش برای برقراری روابط مسلط و مناسبات کهنه، تخریب تولیدی بی برنامه‌گویی در زمینها گام‌ها برداشته و برداشت محصولات و نبود امکانات تولیدی نظیر بذر، کود، آب زراعی، سم، دام، قطعات یدکی و سوخت ماشین آلات کشاورزی فعالیت تولیدی دهقانان را مختل ساخته است. اکثریت روستاییان کشور از نیمه بیداشت و درمان آب‌آشامیدنی وحام، راه و مدرسه و غیره رنج می‌برند.

ورشکستگی کشاورزی و خانه‌خوابی دهقانان سبب شده است که گروه‌های روستاییان کشاورز بدنبال کار روبروی گذران زندگی و تامین حداقل معاش خود به شهرها مهاجرت کنند و تحت سخت‌ترین شرایط در حاشیه شهرها بسر ببرند.

هم‌اکنون ۱/۵ میلیون خانوار دهقان بی زمین و کم‌زمین (حدود ۷/۵ میلیون نفر روستایی بی‌سر) در معرض شدیدترین فشارهای اقتصادی و در بدترین شرایط بسر می‌برند و از تامین حداقل معاش خویش محرومند. وضع حدود ۲۵ هزار کارگر کشاورزان هم بدتر است.

در چنین شرایطی مبارزه دهقانان با بهره‌گیری از تجربیات مبارزاتی ۷ ساله گذشته‌های بیشتر و فحلت جمعی ترپیدی می‌کند. مبارزه گسترده‌ای بنده در کل کشور نیز برپا شده دهقانان موشری افتد. کار انقلابی، آگاه‌ها و سازمانها در روستاهای کشور امروز اهمیت بسیار زیادی دارد. چونگی تبلیغات انقلابی در روستاها و چگونگی گسترش کار روزه‌ای در میان دهقانان از جمله مسایل عمده‌ای است که باید با دقت و مهارت آنرا فرسار گیریم و بکار بندیم.

تبلیغات ما باید بهر مبرم‌ترین خواست‌ها و نیازهای مشخص و محیطی دهقانان تکیه کند. ما باید بکوشیم در هر منطقه‌ای متناسب با خواسته‌های مشخص دهقانان شعارهای عملی و بسیج‌گرا را دقیقاً تعیین و تبلیغ کنیم. اما این درست نیست که صرفاً به این خواسته‌ها و نیازها بسنده کنیم. باید دهقانان را منافع اساسی خود را بدقت بازشناسد، پیوستگی منافع خود با توده‌های شهرنشین، خصوصاً کارگران را در برآورد و علیه کل رژیم بسط دهد. باید بکوشیم مبارزه دهقانان را به‌سوی دست‌یابی به خواسته‌های مشخص اقتصادیشان جنبه سیاسی بیاورد. این امر تدارکی است برای مبارزه مستقل و متحد و متشکل دهقانان در آینده. علاوه بر این تمایل به طرفداری آگاهانه از مبارزه طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در سراسر کشور را در آنها برقرار و خرد کرد.

ما باید دهقانان را به ضرورت دفاع و حمايت از مبارزات و خواسته‌های کارگران و دیگر اقشار انقلابی آگاه سازیم. باید بکوشیم خواسته‌های مشترک کارگران و دهقانان را برپایند و خواسته‌های دهقانان را با ایقان انقلابی و بر ضرورت اتحاد دهقانان با کارگران و زحمتکشان شهرها کید کنیم و آنرا توضیح دهیم. دهقانان باید آگاه شوند که بدون اتحاد آنها با کارگران به پیروزی قطعی دست نخواهند یافت و از تسلط مالکان و وحام می‌توان آنها را نجات داد.

مساله جنگ در حال حاضر معضلی عمومی است که دهقانان میهن ما هر کجا بگردند با آن روبرو می‌شوند. فاش‌دهقانان در تمام برای کمک به جنبه‌ها و سربازگیری اجباری و آزار و اذیت روستاییان توسط ژاندارها و گوانی و کمبودهای ناشی از جنگ، خشم و نفرت آنها نسبت به جنگ و رژیم جنگ و جمهوری اسلامی را برمی‌انگیزد. شعار صلح شعار عمومی و فراگیر است که توده‌های دهقانی را علیه رژیم جنگ طلب خمینی که عاقل ادامه جنگ و ویرانی و کشتار روستاها را میهن ماست، برمی‌انگیزد. این شعار را باید در وسیع‌ترین سطحی تبلیغ کنیم و کشتار و ویرانی‌های ناشی از جنگ را که خمینی چنانیکا مسئول تمام آنهاست، افشا سازیم.

حال که رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی هرگونه حرکت انقلابی و ترقیخواهانه را سرکوب می‌کند، برای کار انقلابی آگاه‌ها مبارزه و سازماندهی درده، ما باید از سربازهای مناسب و ابتکاری سود جست. سازمان ما که طی سالهای پس از انقلاب فعالیت گسترده و موشری را در روستاها و شهرها پیش برده، و کار روزه‌ای وسیع و روستاها کرده‌است، اکنون علیرغم شرایط دشوار، امکانات بسیار برای گسترش مبارزه درده در اختیار دارد. در مناطقی که کار روزه‌ای دهقانی در گذشته در جدیت پیش رفته است، نیروها و عتاد را سازماندهی بسیارند. آنها اکنون نیز تا آنجا که امکان آشنایی با سیاستها و شعارهای سازمان را بیابند می‌توانند به فعالیت موشری بپردازند. بدین منظور ضروری است سازماندهی دهقانی از رقبای بومی با تجربه و آشنا با روستا در جنبه‌ها و احدها سازماندهی در دستور قرار گیرد. این هسته‌ها باید سیاستهای سازمان را با مسایل منطقه فعالیت خود انطباق دهند. با بدستی کشنده تعداد بیشتری از روستاها را بپوشانند و یک یا دو روستا بسنده نکنند. این هسته‌ها باید در سرخ‌های ارتباطی با روستاها را با زاری کرده، هواداران و عتاد فعال درده را بطور مشخص راه‌نمای کنند. شعارهای مناسب را به موقع مطرح و تبلیغ هر چه وسیع تر سیاستهای سازمان در روستاها را سازمان دهند. هسته‌های مزبور باید سازماندهی و هدایت مبارزه دهقانان، ارتقا اشکال و طرق مبارزه‌ای را در دستورها خود قرار دهند و مبارزه آنها را متعین نمایند.

دهقانان آگاه و مبارز، دهقانانی که برای کار به شهرهای اطراف می‌روند، مصلحین روستاها که در تمام نزدیکی با توده‌های دهقانان هستند و در میان دهقانان دارای نفوذ هستند، مصلحین روستایی که به مراکز پیش و یا شهرهای نزدیک برای ادامه تحصیل می‌آیند، کارمندان و کارکنان مراکز خدماتی و ادارات دولتی که در روستاها مرکز و بخش‌ها اشغال دارند و بکوشیم روستاییان در تمام در ویش سفیدان و افراد مورد اعتماد احترام روستاییان، سربل‌های مناسبی برای تماس با روستاییان هستند.

مهاجرین روستایی که روز بروز بر تعداد آنها افزوده می‌شود در حاشیه شهرها ساکنند و تا سال ارتباط خود را با روستا قطع کرده و وجه لحاظ اقتصادی وجه نظر علائق فرهنگی و فامیلی بسیار روستاها در تمام سنده، از امکانات موشری کار در روستاها هستند. مهاجرین روستایی بدلیل مشکلات و مصایب فراوان و خانه خرابی که حاصل سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی است، بدلیل سکونت در شهر و تماس با اقلیتها و طبقات انقلابی اماکن بیشتر برای آشنایی با ما بهیت رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و کارگران آن دارند. افشای گریه‌های سیاسی در بین آنها موشر است. امکان ارتقاء آگاهی آنها بیشتر است. آنها در تماس با کارگران و زحمتکشان شهرنشین هستند و از نزدیک مشکلات و مصایب مشترک را می‌بینند و این امر حداقل طرفداری آگاهانه از مبارزه کارگران و زحمتکشان شهری را در آنها بیدار می‌کند. بدین ترتیب این نیروها قادرند تا در مبارزه طبقاتی را به روستاها انتقال دهند و خواسته‌های معین سیاسی را در تمام با آنها مطرح کنند.

علاوه بر این اغلب کارگران فلسطی و ساخناسی و کارگران شاغل در کارگاههای کوچک دارای منشأ روستایی هستند. بخشی از آنها هنوز با روستاها ارتباط دارند و در نوبه‌ها روستاها می‌کنند. این نیروها را باید با دید سیاستهای دهقانی سازمان آشنا کنیم تا به دهقانان در مبارزه علیه بزرگ مالکان و رژیم باری رسانند و در ارتقاء آگاهی آنان بکوشیم. کارگران نیز می‌توانند با دیدهم و نقش‌های در خود در پیشبرد مبارزه دهقانان بعهده گیرند. کارگران میهن ما باید درک کنند که بدون اتحاد با دهقانان، بدون اینکه دهقانان را در مبارزه علیه رژیم حامی سرمایه‌داران و مالکان بزرگ با خود همراه سازند، قادر به کسب پیروزی نیستند. ما باید کارگران را با مشکلات و مصایب دهقانان زحمتکش و کارگران کشاورزی آشنا سازیم و مسایل و مشکلات مشترک آنها را یادآوری کنیم و بر ضرورت اتحاد و یگانگی آنها تاکید کنیم.

گسترش فعالیت انقلابی سازمان در میان دهقانان در گوردگ اهمیت این امر خطیر توسط رقبای ماست. رفقای ما، حتی آنها هستند که در لحاظ محیط فعالیتشان با روستاها مرتبط نیست، باید بطور جدی درباره مبارزه دهقانان، اهمیت این مبارزه در روند انقلاب و وظایف خطیر سازمان در مقابل آن بیاندیشند و امکانات و راه‌های گسترش نفوذ سازمان در روستاها را جستجو کنند. نجار و امکان کسب توده‌های فعالیت بر سر چند ساله سازمان در میان دهقانان بر سر یک تقدیری است که جدا به ما امکان می‌دهد. علیرغم سرکوب گری‌های رژیم خمینی راه پیوند با جنبش دهقانی را بی‌پایان و بی‌وقفی سازمان درده با مبارزات دهقانان بطور موشری افزایش می‌دهیم.

بحران اقتصادی...

بقیه از صفحه اول

تبدیل و عوام فریبانه کاهش تولید نفت، بمنظور مقابله با کاهش قیمت‌ها، از میان رفتن سیاست واقعی اش را در تاراج نفت آشکارا ساخت، روستاییان گفت: ایران با افزایش حاد کثرت سطح تولید نفت خود بطور موقت کاهش درآمد نفت را جبران خواهد کرد. اما واقعیت این است که رژیم بدلیل شرایط جنگی سقوط قیمت‌ها قادر به جبران کاهش درآمد نفت نیست.

بحران عمیق مالی ارزی به تشدید بحران اقتصادی در همه عرصه‌ها انجامیده است. کارخانجات بدلیل کمبود رزومواد اولیه یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند. رشد صنعتی کشور متوقف شده و سایر منعی در پیش گرفته است. شامی وزیر صنایع، وضعیت صنایع کشور را اینگونه تصویر می‌کند: "از سال ۱۳۶۳ با تشدید این دو مساله (کمبود رزومواد مکرر برق) در مجموع رشد صنایع متوقف شده است (اطلاعات ۱۸ دی ۶۴). وضع کشاورزی نیز اسفناز است. تولیدات کشاورزی قادر به تامین هیچیک از نیازهای مردم نیست و واردات اسفناز افزایش می‌یابد.

وضع زندگی مردم با سرعتی سابقه‌ای روبه‌رو است. قیمت‌ها هر ماه و هر روز افزایش می‌یابد. مطابق آمار بانک مرکزی تنها در فاصله دی تا بهمن سال گذشته قیمت‌ها ۳/۱ درصد افزایش یافته است. زندگی مردم بسیار رفلاکت با رترواز چیزی است که در آمارهای رسمی گفته می‌شود. میلیونها تن از مردم کشور را خطر گرسنگی تهدید می‌کند. کارگران اگر گروه گروه از کارخانجات بیرون می‌روند. چندین میلیون کارگر زحمتکش در کشور بیکارند. دهقانان بدلیل خرابی و فساد کشت و زری همچنان در حال مهاجرت به شهرها هستند. و میلیونها دهقان مهاجر در بیابانها و حاشیه شهرها با فقر و بیکاری و گرسنگی دست‌بگیر می‌اند. در حالی که مردم ما گرسنه و بیکارند و کشور ویران شده است، رژیم روستاهای ملی را می‌مبارد به گام جنگ می‌ریزد. جنگ ارتجاعی و ویرانگر عمده‌ترین عامل تشدید بحران و بیدختی روزافزون مردم است. رژیم خمینی از دهان مردم می‌گیرد و در تنور جنگ می‌ریزد.

سیاست حکومت خمینی انتقال هر چه بیشتر بار بحران بر دوش زحمتکشان و ادامه جنگ به بهانه‌های غارت بیشتر آنان است. مسئولین رژیم برای تامین هزینه‌های جنگی پیاپی مردم را به "بشار" و "فداکاری" بیشتر دعوت می‌کنند. نخست وزیر رژیم ماه گذشته ضمن دیدار با استادان و نخبان محرومیت‌ها و کمبودهای بازم بیشتر داد و گفت: "طبیعی است که از کمبودها و منابع بیشتر... در اختیار جنگ بگذاریم، ما باید از مصرف بکاهیم... و دولت باید بدنبال صرفه‌جویی بیشتر باشد... (روزنامه‌های ۵ اردیبهشت ۶۵). او استادان را از شوق جنگ بگذارد، "همه‌گونه تلاش را برای کسب درآمد‌های مالیاتی" بکار برده و بی‌شماره جهت از مردم خواست برای آنگه بودجه بیشتری جهت تامین هزینه جنگ اختصاص یابد. کمربندهای خود را سفت ببندند.

بر اساس بودجه سال جاری دولت قصد دارد مسال بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان از مردم مالیات بگیرد. رژیم به بهانه "صرفه‌جویی از تامین حداقل کالاهای ضروری بازم بیشتر خواهد داد. همانگونه که به‌زاد دنیوی وزیر صنایع سنگین در دیدار با کارکنان دهقانان اعلام کرد، سیاست دولت آن است که از تعداد "نان خورده"، یعنی کارگران بازم کم مالیاتها کاهشی "نان خورده" گران و شومور بیشتر، فقر و فلاکت روزافزون تروا را چوب‌بیکاری هر چه بیشتر مردم طی ماههای آتی است.

بحران اقتصادی رژیم جبراً بحران اجتماعی و سیاسی را شدت می‌دهد. ارتجاع تاکی و تاجه حد می‌توانست کمربند گرسنگی را بر کمر مردم سفت کند تا تنور جنگ را داغ نگه دارد. واقعیت این است که در جنب ترین و نا آگاهانه ترین بخش توده زحمتکش نیز با تا زیا نه بیکاری، گران، فقر، بی‌مسکنی، ناامنی شغلی و اجتماعی، آدامه کشتار و ویرانی در جنبه‌ها و پشت جنبه‌ها و صدگونه ستور مصیبت دیگر جبراً زخواب بیدار می‌شوند و سرانجام خود را از جنگ آفسون ملایان خاشا نجات خواهند داد. اما باید تا کید کرد که توده‌های میلیونی تنها و تنها با کمک پیشرو انقلابی خود خواهند توانست به منافص واقعی خود پی ببرند و جنبش انقلابی خود را ایجاد کنند و پرچم واقعی خود را پیش می‌ارزاند. بلسند کنند چماق توده زحمتکش را در همه جا نهد رژیم و گسترش مبارزات توده‌های میلیونی علیه جنگ و رژیم از ما می‌طلبند که بکوشیم خود را با رژیم و با همه توان برای بسیج انقلابی توده‌ها، بسرای جلب آنها بسوی پیشاهنگ انقلابی خودشان و بسرای ترغیب آنها جهت اقدام هر چه قاطع تر علیه رژیم و ارتجاع مبارزه کنیم.

برگزاری سیزدهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان

سیزدهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان در تاریخ ۲ تا ۵ آوریل در صوفیه پایتخت جمهوری توده‌ای بلغارستان برگزار شد. از سوی کمیته مرکزی سازمان ما پیام تبریک بنا مکنگره ارسال شد.

در کنگره حزب کمونیست بلغارستان مسایل زیر مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- فعالیت بین المللی حزب و دولت
- ۲- پیشرفت اقتصادی - اجتماعی جمهوری توده‌ای بلغارستان

- ۱- اقتصاد جمهوری توده‌ای بلغارستان طی سالهای ۹۰ - ۱۹۸۶ تا سال ۲۰۰۰
- ۲- پیشرفت اجتماعی و سطح زندگی مردم
- ۳- علوم، فرهنگ و آموزش
- ۴- پیشرفت مدیریت و دموکراسی سوسیالیستی
- ۵- ارتقاء نقش رهبری حزب

رفیق تشودور زبوفک دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، طی سخنرانی مشروحی دربارها مهمترین مسایل داخلی و خارجی گفت: در مرکز رکنگره سیزده حزب کمونیست بلغارستان مسایل رشد کشور در ۱۵ سال آینده قرار دارد. مهمترین مسایل از نقطه نظر زندگی داخلی کشور مسایل حاد و فوری ترقی همه جانبه سوسیالیستی، تنبیرات ریشه‌ای در اقتصاد دوسیاست، در فرهنگ و شیوه زندگی و همچنین در رهبری امور و خلاصه در تمام رشته‌های زندگی اجتماعی است. عملی کردن انقلاب علمی - فنی مهمترین زهرچیز است. لذا برای ما به کسرتش برتری ساختمان جامعه سوسیالیستی، دموکراسی سوسیالیستی، و تامین هر چه بیشتر و کامل تر نیازهای مادی، اجتماعی و معنوی مردم در را س امور قرار دارد.

رفیق زبوفک در مورد روابط بین المللی گفت مهمترین مساله همانا حفظ صلح و زندگی و نجات تمدن بشری است. مسابقه تسلیحاتی که هر چه بیشتر از طرف گروه‌های ارتجاعی امپریالیستی شتاب داده می شود دروا خرقون بیستم شریک را در برابر مساله بودن یا نبودن در آتش جنگ هسته‌ای قرار داده است. وی از طرف تمام کمیته‌های بلغارستان و تمام مردم کشور با دیدگر حمایت خود را از پیش نهاد جدید اتحاد شوروی که جو بگوی آزروی تمام مردم کره زمین است اعلام داشت و گفت: برای مساله کمونیست‌ها رفع خطر جامعه هسته‌ای و حفظ جهان بالاترین هدف است، این اشکاس با اعتقاد عمیق بشردوستی ما و منسوبیت ایدئولوژیکی ما است.

همه چیز برای انسان زحمتکش

به مناسبت برگزاری کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی

"همه چیز برای انسان زحمتکش و برای رفاه او" کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی این عالی ترین آماج جامعه سوسیالیستی را در برابر برخورد قرار داد. کنگره تا مین نیازها و خواسته‌های مردم را به مثابه قانون فعالیت کلیه ارگانهای دولتی، اقتصادی و سازمانهای اجتماعی بشمار آورد.

ممن جدید برنامها حزب کمونیست اتحاد شوروی که در بیست و هفتمین کنگره به تصویب رسید، وظایف آتی حزب را در این راستا تنظیم و مشخص کرد:

- بهبود مداوم شرایط زندگی و کار مردم شوروی.
- تحقق هر چه کامل تر عدالت اجتماعی در تمام قلمروهای اساسی متناسبات اجتماعی
- نزدیکتر کردن طبقات، گروهها و لایه‌های اجتماعی
- غلبه بر تمامیزهای با رزبین شهروند و کارچمی و فکری.
- تکامل متناسبات ملی، تحکیم دوستیها را راه تمام خلقها و ملیتها در کشور.
- در راستا د حزب گفته شده که توان تولیدی و معنوی کشور، نیازمندیهای تسریع رشد اقتصادی و اجتماعی حرکت است برای تامین "رفاه کامل و تکامل آزاد و همه جانبه اعضای جامعه" (لنین) را به راه ضرور و امکان پذیر تبدیل کرده است.

در اسناد کنگره گفته شده که برای تشدید محتوی اخلاقیات و جمعی کار، ارتقاء سطح فرهنگ مردم و حرکت به سوی گابانگینیت و شمریش، اهمیت خاص قابل است. حزب تلاش خواهد کرد که کار دستی بطور اساسی کارش را به بند، کار یکپارچه و طاققت فرسای جسمی واهی کیفیت از بین رود. شرایط سالی بر برای حفظ سلامتی و بهداشت و رفع خطرات امراض ناشی از کار تا مین گردد. به گفته برنامه حزب، در آینده رشد معنی تولید و با لرفتن زانمان کارها مکانات جدیدی را برای کارکن روزگار و افزایش مدت مرخصی زحمتکش فراهم خواهد آورد.

در برنامها معویه کنگره گفته شد: "حزب در آینده"

هشتمین سالگرد انقلاب ثور

هفتم اردیبهشت (ثور) اسال مردمان افغانستان هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب خود را جشن گرفتند. انقلاب ثورا افغانستان با تامین حاکمیت مردمی راه تا مین دموکراسی، استقلال همه جانبه و پیشرفت اجتماعی را به روی مردم افغانستان شورکه در بنده عقب ماندگی قرون وسطایی بودند، گشود. انقلاب ثور علیرغم توطئه‌ها و جنایات بی شمار امپریالیستی و ارتجاع منطقه و ضد انقلاب داخلی همچنان پیش می رود و بر موانع غلبه می کند.

افغانستان انقلابی از همان روز نخست بسا کینه تیزی امپریالیسم و ارتجاع روبرو شد. آمریکا و دولت‌های ارتجاعی منطقه بر رژیم ارتجاعی ضیاء الحق به دشمنی با انقلاب شورور برخاستند. امپریالیسم با انقلاب ثورمانافع غارتگرانه خود را چه در افغانستان و چه در منطقه سخت در خطر دیدند لذا توطئه‌های همه جانبه‌ای را علیه انقلاب تدارک دیدند. در طول عمر مبارز انقلاب، امپریالیسم آمریکا کمک‌های مالی عظیمی در حدود ۱/۵ میلیارد دلار به ندهای ضد انقلابی افغانستان کرده است. اختصاص مبلغ ۴۷۰ میلییون

رفیق تشودور زبوفک در پایان سخن خود، مجدداً بر ارتقاء و تعمق ارتجاع حزب کمونیست و مسلمان مردم بلغارستان در تحکیم انترناسیونالیسم پرولتری و همکاری و نزدیکی بیشتر با حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، شرکت فعالانه در اجرای برنامه ترقی علمی - فنی شورای همپاری اقتصادی تا سال دوهزار، تلاش بیشتر برای اجرای برنامه مشترک اعضای پیمان رشد و رفاه و رفاه و در راه مبارزه برای رفع خطر جنگ هسته‌ای و همکاری بین المللی در حل مسایل تقویت همکاری و اتحادها در جبهات مختلف جنبش کارگری، احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات، دموکراتهای انقلابی و جنبشهای آزادیبخش ملی، سازمانهای بین المللی، اتحادیه‌ها، سازمانهای جوانان و زنان و جنبشهای ضد جنگ، مورد تاکید قرار گرفت.

کمیته مرکزی سازمان ما در پیام تبریک خود به کنگره سیزدهم حزب کمونیست بلغارستان تحکیم هر چه بیشتر روابط و پیوندات رفیقانه و انترناسیونالیستی بین سازمانها و حزب کمونیست بلغارستان را کاملاً بزرگی در تقویت مبارزه مردم میهن ما و همه کمونیستهای ایران علیی امپریالیسم و ارتجاع و برقراری صلح و دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم دانسته و انجام موفقیت آمیز پیروزی‌زمنانه کنگره سیزده را از صمیم قلب آرزو کرده است.

نیز برای با لرفتن در آمواد واقعی زحمتکش و ارتقاء بیشتر رفاه تمام اقشار و گروههای اجتماعی با توجه به امکانات اقتصادی کشور تلاش می کند.

سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی این است که با تقویت بنیانهای اقتصادی کشور، میزان حداقل دستمزد زحمتکش را با لایبرد، حزب برای تامین نیازهای روز افزون مردم بر آرایه گالاهمای با کیفیت و متنوع اصرار می ورزد.

در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی حل سریع و کامل مساله مخکن در دستور قرار گرفته است. تا سال ۲۰۰۰ هر خانواده شوروی آرا را در این ایخانه جداگانه خواهد داشت. در برنامه به تقویت سلامتی مردم شوروی و طولانی ساختن عمر آنها توجه جدی شده است. حزب برای تامین نیازهای مردم در هر شهر و ده در تمام عرصه‌های خدمات پزشکی و ارتقاء کیفیت آنها تلاش جدی می کند. برنامه جهت حفظ و تقویت سلامتی و ورزش و ترویج آن در زندگی روزمره اهمیت جدی قابل شده است.

کنگره گفته شده که ضروری است مردم شوروی آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم را فرا گیرند. فرهنگ سیاسی خود را ارتقاء بخشند، در تدوین سیاستهای حزب شرکت کنند و فعالانه در تحکیم آنها بکوشند. کنگره بر ترویج اخلاق کمونیستی تاکید جدی داشت. اخلاق جمعی "یکی بخاطر همه، همه بخاطر یکی" این اصل اساسی کمونیسم که با خود پرستی، خودخواهی و اغراض شخصی آشتی ناپذیر است، وسیعاً ترویج می شود. حزب به اخلاق بشردوستانه، فعال و سازنده و برتر بیست و هفتم و وطن پرستی و انترناسیونالیستی توجه جدی میدول می‌دهد. در حزب می گویند که اساس دوستی و برادری که ملیت‌ها و اقلیت‌های اتحاد شوروی را به هم پیوند می‌دهد، مشخصه هر انسان شوروی است. روند برگزاری کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی و سالیانه همپاری با بلور بارز نشان داد که تنها سوسیالیسم است که خدمت به انسان و رفع نیازهای مادی و معنوی آن را در کارش توجیه خود قرار می دهد.

دلاری به ندهای ضد انقلابی تنها برای سال ۶۵ توسط دولت ریگان نقش خرابکارانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی افغانستان را بخوبی نشان می دهد. کمک‌های عظیم دولت آمریکا، ژنرال‌های مرچب پاکستانی و ملامهای تهران در اختیار افرا دی موسوم به "مجاهدان مسلمان" قرار می گیرند که در واقع اغلب راهزنان و دزدان و آدمکشان و قاچاقچیان چپان تریاک و هرویین و مزدوران خوانین و فئودالها هستند. این "مجاهدین" راهزن و سباز خوانان احیاء رژیم سلطنتی هستند، با براری روی کار آوردن یک حکومت آمریکا بی "مجاهدت" می کنند و با اینکه می خواهند در افغانستان هم رژیم تنبهاگی را از نو و جنس رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران برپا سازند که گوی سبقت را در پیشگیری و تنبهاگی از همه برده است.

علیرغم همه مشکلات و موانعی که امپریالیسم و ارتجاع علیه انقلاب ثور و مردم افغانستان پدید می آورد، انقلاب افغانستان با اشکا به نسیرویی رزمند زحمتکش و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیشروی خود ادامه می‌دهد و در این راه از حمایت بیدریغ و بی شائبه دوستان جهانی انقلاب ثور و در راه آنها اتحاد شوروی برخوردار است. پشتبانی همه جانبه از انقلاب ثور و یک وظیفه بزرگ انترناسیونالیستی، بویژه برای نیروهای انقلابی و ترقیخواه و سحرماست.

کنفرانس توکیو هم آوا با تجاوزگری ریگان

کنفرانس اقتصادی سران ۷ کشور عمده سرمایه داری - آمریکا، ژاپن، آلمان فدرال، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و کانادا - نیمه اردیبهشت ماه در توکیو برگزار شد. این کنفرانس که اساساً برای هماهنگی و حل مسایل اقتصادی فیما بین کشورهای امپریالیستی، با به گذاری شده همواره با کشاکشهای جدی اعضای آن برای حفظ منافع خود در مقابل سایرین همراه بوده است.

هم اکنون حل مساله موازنه تجاری بین این کشورها به محضی بزرگ برای آنان بدل شده است. تنها در سال گذشته، عزم تعادل تجاری آمریکا و ژاپن ۴۵ میلیارد دلار گزشته است. این رقم در رابطه با ژاپن و دیگر کشورهای اروپای غربی نیز به ۱۲ میلیارد دلار رسد.

در کنفرانس اخیراً آمریکا موفق شد نقش خود را برای کشاندن کنفرانس به مسایل سیاسی پیش ببرد. تا وقت نامهای که در اجلاس مژبوردر مورد محکوم کردن "تروویسم بین المللی" به امضا رسید، نشان به بار زحمتکش و اجرای سیاست دولت ریگان است که خود سرکرده تروویستهای جهان است. دولت ریگان تشدید میلیتاریسم و تجاوزگری نظامی و توسل به اقدامات تروویستی علیه کشورها و نیروهای ترقیخواه را اساسی سیاست خود قرار داده است. تجاوز تروویستی آمریکا به لیبی که از جانب محافل تروویستی بین المللی تقبیح گردید، به آشکارترین وجهی این سیاست امپریالیسم آمریکا را به نمایش گذاشت اما دولت ریگان با بیشرمی خوانان رسمیت بخشیدن و قانونی ساختن تروویسم دولتی و قلدرمنشی و نقیضاتش مقررات بین المللی از جمله کنفرانس آمریکا است. ججال مقابله با "تروویسم بین المللی" از جمله دستاویزهای است که برای پیشبرد همین سیاستهای آمریکا به انداخته شده است.

آنچه در کنفرانس سران ۷ کشور گذشت، البته همه اهدافی را که آمریکا در این رابطه داشت محقق ساخت. ریگان موفق به گرفتن تائیدیه کامل از همه سران کشورهای شرکت کننده در کنفرانس برای پشتیبانی از سیاستها و اقدامات خود در این زمینه نشد. تجاوز آمریکا علیه لیبی در قطعه‌ها تائیدیه نگردید و اقداماتی که برای مقابله با با صلاح "تروویسم بین المللی" در قطعه‌ها گنجانده شد، تا مین کشنده هم قاصد ریگان نبود، با این وجود همان حد تا بیدرسان کشورهای امپریالیستی باری لازم را به ریگان می کند.

کنفرانس توکیو تریبونوی بود، برای آمریکا که با تبلیغات علیه اتحاد شوروی به بهره‌پوشی سیاستهای لگام گسیخته خود جهت تشدید مسابقه تسلیحاتی و کشاندن آن به فضای کیهانی بپردازد. ریگان که از هیچ دستاویزی برای توجیه تلاشهای خود فرو نگذاشت، به این با راجا ده با گوار و شهروگا اتمی چرنوبیل را دستاویزهای تبلیغاتی علیه اتحاد شوروی قرار داد. همپیمانان آمریکا در کنفرانس ۷ کشور نیز در هم آوایی با وی به این بازی پیوستند. در حقیقت این تلاشهای ریگان که دیدگر متحدانش را نیز به نسبتبهای مختلف بدبئال خود می کشد، کوششی است برای گریز از پاسخگویی به پیشینه‌های ریشه‌ای و وحیاتی اتحاد شوروی در باره قطع مسابقه از ما بشهای اتمی، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و محو سلاحهای هسته‌ای تا آخر این قرن.

کمیته‌های ایمنی و حفاظت کار را تشکیل دهیم

در کمیته های فنی حفاظت و بهداشت کار، طبق آیین نامه موجود، این کمیته‌ها از کارفرما یا نماینده او، مدیر فنی، مهندس یا متخصص حفاظت بهداشت کارگاه، یکی از سراسر کارکنان و نماینده کارگران در شورای کارگاه تشکیل می شوند. روشن است که نماینده کارگران باید نماینده معرفی شده از جانب تشکل صنفی کارگران باشد. این نظر تعداد دنیز با بدتر ترکیب کمیته های فنی حفاظت کار عمده نمایندگان کارگران افزایش یابد آیین نامه کنونی عقب مانده و مربوط به سال ۴۷ است و باید ضرورت های کنونی بهبود شرایط حفاظتی کار را منطبق شود. علاوه بر افزایش تعداد نمایندگان کارگران در ترکیب کمیته ها، باید اختیارات این کمیته ها در برنام مریزی، نظارت و کنترل آیین نامه ها و مقررات مربوطه نیز از جمله نکات مهمی است که باید در تدوین آیین نامه جدید موردتوجه قرار گیرند. همچنین مشارکت نمایندگان کارگران (که باید مشارکت نمایندگان سازمان های صنفی سراسری کارگران کشور باشد) در شورای عالی حفاظت و تدوین مقررات و آیین نامه های اجرایی مربوطه یکی دیگر از اشکال مشارکت سازمان یافته کارگران است.

بر اساس آنچه گفته شد، فعالین کارگری وظایف جدی در این زمینه برعهده دارند:

- ۱- با بدین شکل مشارکت کارگران با اشکال به شکل های مستقل صنفی را در بهبود نسبی شرایط ایمنی کار توضیح داد و تبلیغ کرد.
- ۲- با بدین اشکال از اشکال عمده ایمنی مشارکت، حضور فعالانه نمایندگان واقعی کارگران در کمیته های ایمنی کار را به منظور کنترل اجرائی مقررات ایمنی و بهداشت کار را درون شرکت ایمنی نمایندگان در شورای عالی حفاظت جهت تدوین مقررات مذکور می باشد.
- ۳- با بدین توضیح داد که آیین نامه کنونی کمیته های ایمنی کار را باید جای خود را به آیین نامه و مقررات جدیدی بدهد که متضمن افزایش تعداد و نقش کارگران در ترکیب آن و نیز تقویت اختیارات کمیته است. توده کارگران را باید در این راستا به مبارزه دعوت کنند.
- ۴- با بدین کمیته های موجود حفاظت فنی و بهداشت کار را، فعالانه حضور یافته و ضمن تلاش برای تقویت خصلت کارگری آنها، برای بازسازی و ایجاد کمیته های واقعی مبارزه کرد.
- ۵- در همه موارد باید بدین شکل برای کارگران توضیح داد، با بدین اشکال داد که تا توانی رژیم در حل این معضل از خصلت استعمارگرانه و ارتجاعی آن ناشی می شود.

مجددا بکار رفته و سرکارگر میزبوردردم می شود وزیر کار در آخرین سمینار حفاظت و بهداشت کار مدعی شد که ضایعات عمدتاً مربوط به کارخانجات بخش خصوصی است، چون آنها بخاطر کسب سود بیشتر، موازین را رعایت نمی کنند. حال آنکه در واحدهای بزرگ دولتی نیز چنان مکان نیم فشار سازمان یافته ای برای افزایش تولید و اضافه کاری بر کارگران اعمال می شود که جای هیچگونه مقایسه عوامفریبانه ای را باقی نمی گذارد. مسئولین دولتی همچنین در توضیح و توجیه ضایعات حین کار به "سهل انگاری" کارگران و "عدم رعایت ضوابط ایمنی" از سوی آنها اشاره می کنند و از فقدان آموزش فنی سخن می گویند، بدون آنکه بگویند مسئولیت آموزش فنی و حرفه ای کارگران با کیست؟ آنها از "سهل انگاری و عدم رعایت" کارگران صحبت می کنند، بدون آنکه از شرایط فرسایشی کار، تحمیلات سربازانه ای که فرمایان در محیط کار، انواع مشکلات اقتصادی و اجتماعی کارگران و خستگی و فرسودگی جسمی و روحی ناشی از فشار و زندگی یک کلمه هم بگویند. شرایط کار چنان غیر انسانی است که کارگران با مشغله های فکری و روحی متعدد، با خستگی شدید جسمی و با خواب آلودگی ناشی از کار فرسایشی در پشت دستگا هها کار می کنند. این وضعیت غیر انسانی موجب می شود که کارگری که مشغول کاری حساس در پشت دستگا ه است از تمرکز فکری و حواس لازم برخوردار نباشد. روشن است که حل ریشه های این معضل در گرو براندازی نظام سرمایه داری و ایجاد دموکراسی بیرونی و داخلی آن نظام امکان پذیر است. با این حال مبارزه برای بهبود نسبی شرایط ایمنی کار را علاوه بر ضروری و مورد مطالبه توده کارگران است. امروز با زمانه مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار و اعمال کنترل کارگری در اجرائی تمام و تمام ضوابط مربوط به حفاظت و ایمنی کار از وظایف مبرم و اساسی کارگران پیشرو و آگاه است. بدون بسیج کارگران و تائید مشارکت گسترده آنها در امر کنترل و نظارت بر اجرائی مقررات حفاظت و بهداشت کار حتی بهبود نسبی شرایط کار را امکان پذیر نخواهد شد. بدیهی است که بدون وجود سازمان های صنفی مستقل کارگری، چنین مشارکتی نیز محقق نخواهد شد. در شرایط کنونی، گام نخست در این راه عبارت است از سازماندهی مشارکت کارگران

هر از چند گاه می پیرامون مساله حفاظت و بهداشت کار، سمیناری از جانب وزارت کار برگزار می شود و هر بار ریزیم ساله ضایعات و سوانح حین کار و روشها و اقدامات فنی مقابله با آن و ضوابط و مقررات مورد بحث قرار می گیرد، اما همیشه ریشه ایمنی معضل بزرگ کارگران مسکوت گذاشته می شود. روشن است که هدف این سمینارها نه ریشه ای می غلب این حوادث و چگونگی رفع آن، بلکه بیش از هر چیزی جلوگیری از زیان های اقتصادی سرمایه داران و دولت حامی آنهاست. ریشه این سوانح و ضایعات را قبل از هر چیز باید در مسائل استعماری و استعماریت نگاه کرد. استعمار و وفاداریت نگاه کرد. سرمایه داری موجب امتشاع و امتشاع ضوابط و مقررات فرسایشی و رونق بخش ضوابط و استانداردهای ایمنی حفاظت و بهداشت کار است. میزان سوانح و ضایعات انسانی در کارگاهها و کارخانجات با شدت کار رابطه مستقیم دارد. مطابق آمار خود رژیم که بسیار از واقعیت جاری کمتر است، تعداد سوانح و ضایعات حین کار تنها در سال ۶۲ آنهم فقط در واحدهای تحت پوشش بیمه های اجتماعی بیشتر از ۱۴ هزار مورد بوده است که ۵۵۰ مورد آن به مرگ کارگران منجر شده است. در ماه های اخیر در اثر تشدید بحران اقتصادی رژیم، کاهش درآمد، فشار روزافزون سیاست جنگی بر اقتصاد کشور و گسترش موج اخراج و بیکاری، شدت کار ریزیم از هر زمان دیگر شده است. کنترل ایمنی کار در واحدهای تولیدی و صنعتی کشور بوسیله دولت ارتجاع بقدری تنزل یافته که کارفرمایان با خیال آسوده به از کار انداختن سیستم های حفاظتی و هتداه ردهنده ماشین آلات دستگا هها اقدام می کنند تا بتوانند از این طریق آنگاه کار را افزایش داده، با زدهی کار دستگا ه را بالا ببرند. این ترغیب در دیوانه درموارد متعددی موجب بروز سوانح در دناکی چون قطع عضو یا مرگ کارگران شده است. حادثه فاجعه زیرک خیرش در روزنامه های رژیم نیز در چ شدیدی از دهها نمونه ایست که هر روز در واحدهای مختلف صنعتی کشوری می دهد. " سرکارگری در زیر دستگا ه پرس له شد و منجر به مرگ او گشت ... کارفرما جهت افزایش سرعت و راندمان کار دستگا ه پرس، سیستم حفاظتی اتوماتیک آنرا از کار انداخته بود. کارگری که بر روی این دستگا ه کار می کرد، بدین حال بروز نقص فنی و از کار افتادن پرس، سرش را به منظور رفع عیب زیر پرس می کند، در همین هنگام پرس

در شکنجه گاه

پس آنگاه، دیگری بار، زندانبان مرافرا خواند
از آنگونه که شب فرا می خواند خورشید را
و مرگ او از می دهد زندگی را.

برآمد!

از بیله دریده سلول

آنگونه که تا یسته آدمی است.

اودشنا می بر لب داشت و من سرودی

اوقایقی بی ثبات در توفانی که من بودم

و من مخره ای زخشنده

در ظلمتی که بود.

من ستون و اوتازیانه

و آوری می گفت و من نه.

دردها من آواز تهیدستان بود و در جاتم مشعل عشق

در کاسه سرا و انگل برده خواهی.

ریشه من در توده فرودستان

و پای او در گندچاله فرادستان.

پس برگزیده ام تصویر خوشین ستمش را آفرید

و ستاره ناخنها بر آن گشت نام خاموش شدند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در آن کشتارگاه
هیچ کسَم یا رنبود
جزشله فروزنده ای در سینه ام
که حقیقت بود
آدمیزاده ای بود با جورزادی
آنکه سینه ام را با خنجرش می شکافت
به جستا رازی مقدس؟
من فرود آمد
ا و سر فرود آورد
و چنین نالید:
"تسلیم شوتا زندگی را به توارزانی کنم!"
و من چنین سرودم
"مقاومت می کنم تا مرگ و از آن توکرده باشم"
*
من برخاستم و ا و فروریخت
چونان لاشی می لنگر
در گنداب بیاسی خویش
میرزا آقا عسکری (مانی)

اردوگاه شکنجه برای زنان آزاده

"شورای عالی قضایی پیش نویس لایحه ای را تنظیم کرده است تا پس از تصویب، اینگونه افراد (یعنی "بندخوابان") به اردوگاه‌ها برای بازسازی و آموزش اعزام شوند. برخلاف آنچه به عهده خودشان است و دولت در این مورد هزینه‌ای را تحمل نخواهد کرد... از این پس با وجود این قانون ما تحمل نمی‌کنیم که عسده‌های افراد هوس‌باز برای تضعیف خانواده، مصالح جامعه را به بازی بگیرند." (هاشمی رفسنجانی نماز جمعه تهران) ۱۲ اردیبهشت

که هرزگی و هوسبازی و ضدیت با تمدن و اخلاق معنای ازبازترین خصوصیات این زاهدین ریایی است. آنچه مورد دشمنی این مرتجعین است همانا تمدن و فرهنگ و اخلاق معنایی و آزاده است. بندگی غرابریختنی یکی از ارکان مکتب این "مکتبیون" است. با بدپرستی قای رفسنجانی مگر شما با نیستید که معتقدید "هوسا و هوسا زفتا حمیده" نباشد (ماهانما به پاسدار اسلام نشریه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - فروردین ۶۴) و "اشباع غریزه جنسی... بهایه و اساس ضرورت اجتماعی... است" (همانجا) مگر شما نیستید که از "مکتب غریب" هوسبازی و بندگی غرابریختنی، مقام انسان را تا حد موش و خوک تنزل می‌دهید و می‌نویسید: "انسان و موش از نظر شدت غریزه جنسی بهم‌بسیار نزدیکند" (پاسدار اسلام صفحه ۴۱) و می‌گویید: "در خروس پختن خط است که از صفات انبیاست و یکی از آنها جماع بسیار است" (حلیه‌المتقین) آقای رفسنجانی آیا شما با نیستید که بر اساس این طرز تفکر و بنظر دلیل تراشی برای توجیه این حیوانیت، زن را نه یک انسان بلکه برده‌گمان ناقص العقل و نیمه حیواناتی شوروشیطانی معرفی می‌کنید و می‌گویید: "زنان دام شیطانیست" و "همین‌طور با اراذل و فروما یگان گفت و شنود با زنان در دل مردان بسیارند" (اصول کالی) و "هرکس اطاعت زنش کند (یعنی اگر زن برای رفتن به حمام یا عروسی اذن بطلبد و مرد اجازه دهد) خدا و راهی جهنم اندازد"؟ (جمع المعارف و مخبرین العوارف) آیا شما با نیستید که جز تسلیم در برابر هوس مرد و طغیانی دیگر برای زنان نمی‌شناسید و حکمی می‌کنید: "زنان نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون بروند یا بخود را برای هر لذتی که اومی‌خواهد تسلیم کند" (توضیح المسائل خمینی) مگر شما با نیستید که می‌گویید: "آنچه باشد مطلوب شارع مقدس است، تعدد زوجات می‌باشد، شرط برای وحدت همسر ذکر شده و فرموده است اگر چه در یکدیگر عدالت برقرار نشود، با یک زن آنکس کتبیولی برای تعدد همسر شرعی ذکر نشده است...؟" (نشریه پاسدار اسلام) و "اصیغه (ترجیحا صیغه دختران ۹ ساله) را از برکات عالم اسلام... می‌دانید (علامه کاشف الغطاء) مگر شما با نیستید که به این نیز قناعت نکرده و طرح تا سبب قحط خانه‌های رسمی "شرعی" را می‌ریزید؟ آقا این مرتجعین "اخلاق" مسردم آگاه و آزاده همین ما خوب می‌دانند که جای واقعی شما و حبان این افکار و اعمال در اردوگاه‌ها هر زن که هوسبازی است، بربرهای حاکم ما این کارنامه سنگین شان، از "خانواده" سخن می‌گویند و برای "حفاظت" از آن اردوگاه‌های کار با اعمال

شاقه برای "بدخوابان" ترتیب می‌دهند. کسانی که زنان را به درجه حیوانات تنزل می‌دهند، هرگز نمی‌توانند از آنجا عبور کنند. کانونی گرم و پر مهر بر اساس عشق و تپانها از انسانیت سخن گویند. این دشمن زن و دشمن خانها و خانواده هستند. اینان با ترویج فحشاء و فساد و با اشتهای چندمهری و صیغه با زنی، خانواده‌ها را به تلاتستی می‌کشند. برای دفاع از خانواده، برای دفاع از حرمت مادران و همسران، برای دفاع از شرافت و آزادی مردم کشورمان با بدزن و مرد بدبخت دفاع از زنان میهنمان برخیزیم. ارتجاع می‌خواهد در سراسر کشور فحشاء خسته‌های "شرعی" ایجاد کند و برای سرکوب زنانی که کفن سیاه جمهوری را تحمل نمی‌کنند، اردوگاه با اعمال شاقه بسازد. باید هر چه سریعتر مردم را از این نقشه‌ها آگاه و بیدار برای مقابله با آنها بسیج نماییم *

آفریقای جنوبی: ماجراجویهای نویدآمده

دولت ژنرال دیرت آفریقای جنوبی روز ۲۹ اردیبهشت به سبک دولت ریگان و وبا زیر پا گذاشتن همه مقررات بین المللی به پایتخت‌های سه کشور بوتسوانا، زیمبابوه و زامبیا حمله کرد. وعده‌های از مردمی گناه را کشته و زخمی کرد و در اینها برای بیار آورد. این تبهکاری رژیم ژنرال دیرت علیه دولت‌های همسایه زمانی صورت می‌گیرد که مردم آفریقای جنوبی یک بار چرخه علیه آنپا خسته‌اند. مسجود جنبش توده‌ای آنچنان ابعاد پیدا کرده است که رژیم ژنرال دیرت عملاً فلج شده و نمی‌تواند موضوع سابق را حفظ کند. با وجود کشتارهای وسیع گمراهان رژیم، مردم همچنان در خفا با آنها در مقابل توپ و تانک می‌ایستند و برای برابری و آزادی را سر می‌دهند: رژیم بوتسوانا که در بره سرکوب جنبش توده‌ای و سازمانهای سیاسی آن نیست، با حمله به دفاتر کتیره ملی آفریقا در کشورهای همجوار قصد انتقام جویی دارد. ولی این ماجراجویی‌ها رژیم ژنرال دیرت را بیش از پیش در قاره آفریقا در سطح جهانی بی اعتبار و منزوی می‌سازد. یورش رژیم بوتسوانا در آفریقا "بازتاب گسترده در سطح جهان پیدا کرده است. دولت‌های مختلف و سازمانهای بین المللی از جمله سازمان وحدت آفریقا، این حمله را کینه نقش‌آشکارا مقررات بین المللی است، شدیداً محکوم کردند. این یورش‌های جنوبی قدریست که رژیم جنوبی را آفریقا را تروستی را از سر نوشت محکوم نجات دهد.

بر اساس تدبیر جدید حضرت علمی اعلام و استوانه‌های اسلام، مردم ایران پس از چندی در کنار زندان‌های رسمی و غیررسمی، اردوگاه‌های جنگی - اردوگاه‌های بزرگ دیگری را خواهند دید که رژیم برای "بازسازی و آموزش" زنانی می‌سازد که فرامین داروغه‌های آیت‌عظم و جماعت و اسید و تیغ برادران و خواهران زولیده حزب الهی هستند است. آنها را خانه‌نشین کند. چنین است یکی از آخرین تصمیمات جناح پیکاران پسوسیده مغزی که مدعیانند "الگوی تازه انسانیت به بشریت تشنه عدالت در سراسر جهان" آرایه می‌کنند. (موسوی نصرت وزیر ۱۲ مهر ۶۵). چنین است یکی از تدابیری که آقا یان برای "تحکیم خانواده و حفظ مصالح جامعه" اندیشیده‌اند. اینگونه تدا و بیروابطات رژیم هر چند برای بشریت معاصر شگفت‌آور و برونگرند است ولی مردم ما بخوبی با آنها آشنا شده‌اند و دیده‌اند که خمینی و اصحابش از همان فردای جلوس بر سر خش خلافت و ارمغانی جز افزون‌دستم و دست بربرها برستم سرپا به داری و کشف و اختراع انواع و اقسام قوانین و تدابیر برای تشدیدستم بر زنان نداشته‌اند. هاشمی رفسنجانی از زبان خود و همدستان سبیه اندیش چنین وانمود می‌کنند که گویا منظور از تاسیس این اردوگاه‌های کار با اعمال شاقه "مبارزه با هوسبازی و جلوگیری از تضعیف خانواده است" او فریبکارانه و بی‌شرمی فریاد برمی‌آورد که: "مساجد تحمل نمی‌کنیم که عده‌های افراد هوس‌باز برای تضعیف خانواده، مصالح جامعه را به بازی بگیرند" نگا می‌به "کتاب معتبر"، رسالات، جماعت و نشریات این آقایان، نگاه‌های به نحوه زندگی داروستان فاسد حاکم و کارنامه سنگین حکومتشان نشان می‌دهد

انتخابات فرمایشی "شورا"ها و وظایف کارگران

رژیم خمینی با وجود آنکه توانست شکل‌های صنفی کارگری را منحل و یا تضعیف کند، اما نتوانست اعتماد کارگری و میا زرات کارگران را بسزای ایجاد دشکل‌های مستقل صنفی را فروشانند. رژیم که از خواست توده کارگران مبتنی بر ایجاد تحکیم شکل‌های مستقل کارگری، آگاه است ابتدا بسند قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار" را از تصویب گذراند و اینک با تصویب آیین‌نامه ارتجاعی شر و یکسری مقررات پلیسی تلاش می‌کند که از انتخاب نمایندگان کارگران جلوگیری کند، اکنون رژیم همه‌ارگانهای فدکا رگری و مکانات پلیسی خود را بکار گرفته است تا انتخابات فرمایشی شوراهای اسلامی کار را به شیوه‌ای کاملاً بی‌عملی کند. رژیم در هر سال از اینکه می‌باید علیه همه شهیدان پلیسی اش، اینکار عمل را در انتخابات از دست بدهد، طی ماههای اخیر، هر روز چندگاه دستورالعمل‌های محرمانه و فرم‌های انتخاباتی جدیدی بسزای مدیریتان و نچمن‌های اسلامی و احدها می‌فرستد. در آیین‌نامه اجرایی شوراهای اسلامی کار که اخیراً بصورت "اصلاح شده" رای گردید، این تغییر به چشم می‌خورد که: "در انتخابات نماینده‌های شوراهای اسلامی به انتخاب هیات نظارت نیست. همان هیات تشخیص صلاحیت، انجام ما این وظیفه را نیز به عهده خود بگیرد." با این اصلاحیه، دست‌های تشخیص صلاحیت برای تقلب در انتخابات کاملاً باز گذاشته می‌شود. چندی پیش در فرم‌هایی که با قید کلمه "محرمانه" به کارکنان شوراهای شور داده شد، سئوالات زیر مطرح شده است: ۱ - مشخصات، ۲ - معرفی ۲ نفر از اعضای هیات تشخیص صلاحیت، ۳ - معرفی ۲ نفر از افراد مؤمن به انقلاب اسلامی که در ارتگانهای انقلابی مشغول بکارند، ۴ - محل سکونت از ابتدای تولد،

۵ - آدرس محل کار از ۱۰ سال پیش تا کنون، ۶ - آدرس محل تحصیل و سال آن، ۷ - آیا تا کنون بدلیسل فعالیت سیاسی در قبال و یا بعد از انقلاب دستگیری و زندانی داشته‌اید؟ ۸ - درجه انجمن (گروه فرهنگی ادبی، سیاسی قبل و بعد از انقلاب فعالیت داشته‌اید؟ ۹ - معرفی شخصی که از طریق او بسند شما می‌توان دسترس پیدا کرد. ۱۰ - آیا تا بحال در سندیکا یا اتحادیه و یا شوراهای کارگری در قبال و بعد از انقلاب بوده‌اید؟ ۱۱ - گروهی محل کار، این پرسشنامه پلیسی، بیم و هراس رژیم را از انتخاب شدن نمایندگان واقعی کارگران و گسترش جنبش کارگری بوضوح نشان می‌دهد. هدف رژیم از این تحقیق‌ها، شناسایی کاندیداهای مورد تایید کارگران، سرکوب کردن آنها از طریق استنتاج‌های پلیسی، جلوگیری از انتخاب شدن آنها و هموار کردن راه برای تحمیل کاندیداهای فرمایشی است. این منظور اسرحدی زاده وزیر کار در درگاه‌ها، ایران با سایر اینچنین بیان کرد: "هدف از این شوراها این است که زیر پای مدیریت‌ها را بکوبند و در پیشبرد کارها به آنها کمک بوجدن و بیاورند." مدیرکل آردا ره کار و امور اجتماعی اراک نیز در سخنرانی اش برای کارگران، ضوابط عضویت و محدوده وظایف شوراهای اسلامی را چنین برشمرد: "هدفه اعطای شوراها به مسلمان و پیرو ولایت فقیه باشد. همچنین نماینده‌ها را باید مدیریت در عرصه تولید همکاری نماید. این کار در زمین، مشورتی است، نباید در کار مدیریت دخالت شود." اداره کار در پیشبرد این سیاست فدکا رگری خیلی با احتیاط و دست‌به‌عصا راه می‌رود. بطوریکه تا ۲۰ آذر ۶۴ در تهران فقط در واحدها انتخاباتی شوراها را اسلامی و عملی کرد تا فرمت تحقیقات پلیسی کافی برای شناسایی کاندیداهای داشته باشد. در کارخانه نورد و قطعات فولادی، کاندیداتوری ۷ نفر از ۲۰ کاندیدای شورا توسط وزارت کار رد شد. علت "عدم صلاحیت" بخشی از آنها این بود که دارای سابقه مبارزه سندیکایی بودند و در مبارزات صنفی شرکت فعال می‌کردند. در کارخانه ایران با از همسسه